



---

# USEFUL PERSIAN SENTENCES & COMMON PHRASES IN ENGLISH

---

Language Academy  
TUMS International College





**1 [one]**

**People**

**I**

**I and you**

**both of us**

**he**

**he and she**

**they both**

**the man**

**the woman**

**the child**

**a family**

**my family**

**My family is here.**

**I am here.**

**You are here.**

**He is here and she is here.**

**We are here.**

**You are here.**

**They are all here.**

**۱ [یک]**

**اشخاص**

**من**

**من و تو**

**هردوی ما**

**او (مرد)**

**آن مرد و آن زن**

**هردوی آنها**

**آن مرد**

**آن زن**

**آن بچه**

**یک خانواده**

**خانواده من**

**خانواده من اینجاست.**

**من اینجا هستم.**

**تو اینجا هستی.**

**آن مرد اینجاست و آن زن اینجاست.**

**ما اینجا هستیم.**

**شما اینجا هستید.**

**همه آنها اینجا هستند.**



2 [two]

۲ [دو]

**Family Members**

خانواده

the grandfather

پدربزرگ

the grandmother

مادربزرگ

he and she

او (پدربزرگ) و او (مادربزرگ)

the father

پدر

the mother

مادر

he and she

او (پدر) و او (مادر)

the son

پسر

the daughter

دختر

he and she

او (پسر) و او (دختر)

the brother

برادر

the sister

خواهر

he and she

او (برادر) و او (خواهر)

the uncle

عمو، دایی

the aunt

عمه، خاله

he and she

او (عمو، دایی) و او (خاله، عمه)

We are a family.

ما یک خانواده هستیم.

The family is not small.

خانواده کوچک نیست.

The family is big.

خانواده بزرگ است.



3 [three]

۳ [سه]

Getting to know others

آشنا شدن

Hi!

سلام

Hello!

روز بخیر!

How are you?

حالت چطوره؟

Do you come from Europe?

شما از اروپا می آید؟

Do you come from America?

شما از امریکا می آید؟

Do you come from Asia?

شما از آسیا می آید؟

In which hotel are you staying?

در کدام هتل اقامت دارید؟

How long have you been here for?

چه مدت از اقامتتان در اینجا میگذرد؟

How long will you be staying?

چه مدت اینجا میمانید؟

Do you like it here?

از اینجاخوشتان می آید؟

Are you here on vacation?

برای مسافرت اینجا هستید؟

Please do visit me sometime!

سری به من بزنید

Here is my address.

این آدرس من است.

Shall we see each other tomorrow?

فردا همدیگر را می بینیم؟

I am sorry, but I already have plans.

متاسفم، من برنامه ای دارم.

Bye!

خداحافظ! (عامیانه)

Good bye!

خدا نگهدار

See you soon!

تا بعد.



4 [four]

[چهار]

At school

در مدرسه

Where are we?

ما کجا هستیم؟

We are at school.

ما در مدرسه هستیم.

We are having class / a lesson.

ما کلاس درس داریم

Those are the school children.

آنها دانش آموزان هستند.

That is the teacher.

این خانم معلم است.

That is the class.

این کلاس درس است.

What are we doing?

ما چکار می کنیم؟

We are learning.

ما درس میخوانیم.

We are learning a language.

ما یک زبان یاد میگیریم.

I learn English.

من انگلیسی یاد میگیرم.

You learn Spanish.

تو اسپانیایی یاد میگیری.

He learns German.

او (مرد) آلمانی یاد میگیرد.

We learn French.

ما فرانسوی یاد میگیریم.

You all learn Italian.

شما ایتالیایی یاد میگیرید.

They learn Russian.

آنها روسی یاد میگیرند.

Learning languages is interesting.

یادگیری زبان جالب است.

We want to understand people.

ما میخواهیم انسانها را بفهمیم.

We want to speak with people.

ما میخواهیم با انسانها صحبت کنیم.



5 [five]

۵ [پنج]

Countries and Languages

کشورها و زبانها

John is from London.

جان اهل لندن است.

London is in Great Britain.

لندن در انگلستان قرار دارد.

He speaks English.

او (مرد) انگلیسی صحبت میکند.

Maria is from Madrid.

ماریا اهل مادرید است.

Madrid is in Spain.

مادرید در اسپانیا قرار دارد.

She speaks Spanish.

او اسپانیایی صحبت میکند.

Peter and Martha are from Berlin.

پیتر و مارتا اهل برلین هستند.

Berlin is in Germany.

برلین در آلمان قرار دارد.

Do both of you speak German?

هر دوی شما آلمانی صحبت میکنید؟

London is a capital city.

لندن یک پایتخت است.

Madrid and Berlin are also capital cities.

مادرید و برلین هم پایتخت هستند.

Capital cities are big and noisy.

پایتختها بزرگ و پرسروصدا هستند.

France is in Europe.

فرانسه در اروپا قرار دارد.

Egypt is in Africa.

مصر در آفریقا قرار دارد.

Japan is in Asia.

ژاپن در آسیا قرار دارد.

Canada is in North America.

کانادا در آمریکای شمالی قرار دارد.

Panama is in Central America.

پاناما در آمریکای مرکزی قرار دارد.

Brazil is in South America.

برزیل در آمریکای جنوبی قرار دارد.



6 [six]

۶ [شش]

Reading and writing

خواندن و نوشتن

I read.

من میخوانم.

I read a letter.

من یک حرف الفبا را میخوانم.

I read a word.

من یک کلمه را میخوانم.

I read a sentence.

من یک جمله را میخوانم.

I read a letter.

من یک نامه را میخوانم.

I read a book.

من یک کتاب میخوانم.

I read.

من میخوانم.

You read.

تو میخوانی.

He reads.

او (مرد) میخواند.

I write.

من مینویسم.

I write a letter / character.

من یک حرف الفبا را مینویسم.

I write a word.

من یک کلمه را مینویسم.

I write a sentence.

من یک جمله را مینویسم.

I write a letter.

من یک نامه مینویسم.

I write a book.

من یک کتاب می نویسم.

I write.

من می نویسم.

You write.

تو می نویسی.

He writes.

او (مرد) می نویسد.



7 [seven]

۷ [هفت]

Numbers

اعداد

**I count:**

من می شمارم:

**one, two, three**

یک ، دو ، سه

**I count to three.**

من تا سه می شمارم.

**I count further:**

من به شمارش ادامه می دهم:

**four, five, six,**

چهار، پنج، شش،

**seven, eight, nine**

هفت، هشت، نه،

**I count.**

من می شمارم.

**You count.**

تو می شماری.

**He counts.**

او (مرد) می شمارد.

**One. The first.**

یک، اول.

**Two. The second.**

دو، دوم.

**Three. The third.**

سه، سوم.

**Four. The fourth.**

چهار، چهارم.

**Five. The fifth.**

پنج، پنجم.

**Six. The sixth.**

شش، ششم.

**Seven. The seventh.**

هفت، هفتم.

**Eight. The eighth.**

هشت، هشتم.

**Nine. The ninth.**

نه، نهم.





8 [eight]

۸ [هشت]

The time

ساعات روز

Excuse me!

معذرت می خواهم!

What time is it, please?

ساعت چند است؟

Thank you very much.

بسیار سپاسگزارم.

It is one o'clock.

ساعت یک است.

It is two o'clock.

ساعت دو است.

It is three o'clock.

ساعت سه است.

It is four o'clock.

ساعت چهار است.

It is five o'clock.

ساعت پنج است.

It is six o'clock.

ساعت شش است.

It is seven o'clock.

ساعت هفت است.

It is eight o'clock.

ساعت هشت است.

It is nine o'clock.

ساعت نه است.

It is ten o'clock.

ساعت ده است.

It is eleven o'clock.

ساعت یازده است.

It is twelve o'clock.

ساعت دوازده است.

A minute has sixty seconds.

یک دقیقه شصت ثانیه دارد.

An hour has sixty minutes.

یک ساعت شصت دقیقه دارد.

A day has twenty-four hours.

یک روز بیست و چهار ساعت دارد.



9 [nine]

۹ [نه]

Days of the week

روزهای هفته

Monday

دوشنبه

Tuesday

سه شنبه

Wednesday

چهارشنبه

Thursday

پنج شنبه

Friday

جمعه

Saturday

شنبه

Sunday

یکشنبه

the week

هفته

from Monday to Sunday

از دوشنبه تا یکشنبه

The first day is Monday.

اولین روز دوشنبه است.

The second day is Tuesday.

دومین روز سه شنبه است.

The third day is Wednesday.

سومین روز چهارشنبه است.

The fourth day is Thursday.

چهارمین روز پنج شنبه است.

The fifth day is Friday.

پنجمین روز جمعه است.

The sixth day is Saturday.

ششمین روز شنبه است.

The seventh day is Sunday.

هفتمین روز یکشنبه است.

The week has seven days.

هفته هفت روز دارد.

We only work for five days.

ما فقط پنج روز کار میکنیم.



10 [ten]

۱۰ [ده]

Yesterday – today – tomorrow

دیروز – امروز – فردا

Yesterday was Saturday.

دیروز شنبه بود.

I was at the cinema yesterday.

من دیروز سینما بودم.

The film was interesting.

فیلم جالبی بود.

Today is Sunday.

امروز یکشنبه است.

I'm not working today.

من امروز کار نمیکنم.

I'm staying at home.

من امروز در خانه می مانم.

Tomorrow is Monday.

فردا دوشنبه است.

Tomorrow I will work again.

من فردا دوباره کار می کنم.

I work at an office.

من در اداره کار میکنم.

Who is that?

او کیست؟

That is Peter.

او پیتر است.

Peter is a student.

پیتر دانشجو است.

Who is that?

او کیست؟

That is Martha.

او مارتا است.

Peter and Martha are friends.

پیتر و مارتا با هم دوست هستند.

Peter is Martha's friend.

پیتر دوست مارتا است.

Martha is Peter's friend.

مارتا دوست پیتر است.



11 [eleven]

۱۱ [یازده]

Months

ماهها

January

ژانویه

February

فوریه

March

مارس

April

آوریل

May

مه

June

ژوئن

These are six months.

اینها شش ماه هستند.

January, February, March,

ژانویه، فوریه، مارس،

April, May and June.

آوریل، مه، ژوئن.

July

ژوئیه

August

آگوست (اوت)

September

سپتامبر

October

اکتبر

November

نوامبر

December

دسامبر

These are also six months.

اینها هم شش ماه هستند.

July, August, September,

ژوئیه، آگوست، سپتامبر،

October, November and December.

اکتبر، نوامبر، دسامبر.



12 [twelve]

۱۲ [دوازده]

Beverages

نوشیدنی ها

I drink tea.

من چای می نوشم.

I drink coffee.

من قهوه می نوشم.

I drink mineral water.

من آب معدنی می نوشم.

Do you drink tea with lemon?

تو چای را با لیمو می نوشی؟

Do you drink coffee with sugar?

تو قهوه را با شکر می نوشی؟

Do you drink water with ice?

تو آب را با یخ می نوشی؟

There is a party here.

اینجا یک مهمانی است.

People are drinking mineral water.

مردم آب معدنی می نوشند.

People are drinking tea and coffee.

مردم چای و قهوه می نوشند.

Do you drink tea?

تو چای می نوشی؟

Do you drink coffee?

تو قهوه می نوشی؟

Do you drink tea with milk?

تو چای و شیر می نوشی؟

I do not like coffee.

من قهوه دوست ندارم.

I do not like milk.

من شیر دوست ندارم.

I do not like tea.

من چای دوست ندارم.

The baby likes milk.

بچه شیر دوست دارد.

The child likes cocoa and apple juice.

بچه کاکائو و آب سیب دوست دارد.

The woman likes orange and grapefruit juice.

آن خانم آب پرتقال و آب گریپ فروت دوست دارد.



13 [thirteen]

۱۳ [سیزده]

Activities

فعالیتها

**What does Martha do?**

مارتا چکار می کند؟

**She works at an office.**

او در اداره کار می کند.

**She works on the computer.**

او با کامپیوتر کار می کند.

**Where is Martha?**

مارتا کجاست؟

**At the cinema.**

در سینما.

**She is watching a film.**

او یک فیلم تماشا می کند.

**What does Peter do?**

پیتر چکار می کند؟

**He studies at the university.**

او در دانشگاه تحصیل می کند.

**He studies languages.**

او در رشته زبان تحصیل می کند.

**Where is Peter?**

پیتر کجاست؟

**At the café.**

در کافه.

**He is drinking coffee.**

او (مرد) قهوه می نوشد.

**Where do they like to go?**

کجا دوست دارند بروند؟

**To a concert.**

به کنسرت.

**They like to listen to music.**

آنها به شنیدن موسیقی علاقه مندند.

**Where do they not like to go?**

به کجا دوست ندارند بروند؟

**To the disco.**

به دیسکو.

**They do not like to dance.**

آنها به رقصیدن علاقه ندارند.



14 [fourteen]

۱۴ [چهارده]

Colors

رنگ ها

Snow is white.

برف سفید است.

The sun is yellow.

خورشید زرد است.

The orange is orange.

پرتقال نارنجی است.

The cherry is red.

گیلاس قرمز است.

The sky is blue.

آسمان آبی است.

The grass is green.

چمن سبز است.

The earth is brown.

خاک قهوه ای است.

The cloud is grey / gray (am.).

ابر خاکستری است.

The tyres / tires (am.) are black.

لاستیک ها سیاه هستند.

What colour / color (am.) is the snow? White.

برف چه رنگی است؟ سفید.

What colour / color (am.) is the sun? Yellow.

خورشید چه رنگی است؟ زرد.

What colour / color (am.) is the orange?  
Orange.

پرتقال چه رنگی است؟ نارنجی.

What colour / color (am.) is the cherry? Red.

گیلاس چه رنگی است؟ قرمز.

What colour / color (am.) is the sky? Blue.

آسمان چه رنگی است؟ آبی.

What colour / color (am.) is the grass? Green.

چمن چه رنگی است؟ سبز.

What colour / color (am.) is the earth?  
Brown.

خاک چه رنگی است؟ قهوه ای.

What colour / color (am.) is the cloud? Grey /  
Gray (am.).

ابر چه رنگی است؟ خاکستری.

What colour / color (am.) are the tyres / tires  
(am.)? Black.

لاستیک ها چه رنگی هستند؟ سیاه



15 [fifteen]

۱۵ [پانزده]

Fruits and food

میوه ها و مواد غذایی

I have a strawberry.

من یک توت فرنگی دارم.

I have a kiwi and a melon.

من یک کیوی و یک خربزه دارم.

I have an orange and a grapefruit.

من یک پرتقال و یک گریپ فروت دارم.

I have an apple and a mango.

من یک سیب و یک انبه دارم.

I have a banana and a pineapple.

من یک موز و یک آناناس دارم.

I am making a fruit salad.

من یک سالاد میوه درست می کنم.

I am eating toast.

من یک نان تست می خورم.

I am eating toast with butter.

من نان تست با کره می خورم.

I am eating toast with butter and jam.

من یک نان تست با کره و مربا می خورم.

I am eating a sandwich.

من یک ساندویچ می خورم.

I am eating a sandwich with margarine.

من یک ساندویچ با مارگارین می خورم.

I am eating a sandwich with margarine and tomatoes.

من ساندویچ با مارگارین و گوجه فرنگی می خورم.

We need bread and rice.

ما نان و برنج لازم داریم.

We need fish and steaks.

ما ماهی و استیک لازم داریم.

We need pizza and spaghetti.

ما پیتزا و اسپاگتی لازم داریم.

What else do we need?

ما چه چیز دیگری لازم داریم؟

We need carrots and tomatoes for the soup.

ما برای سوپ هویج و گوجه فرنگی لازم داریم.

Where is the supermarket?

سوپرمارکت کجاست؟





16 [sixteen]

۱۶ [شانزده]

Seasons and Weather

فصل های سال و آب و هوا

These are the seasons:

این ها فصل های سال هستند:

Spring, summer,

بهار، تابستان،

autumn / fall (am.) and winter.

پائیز و زمستان.

The summer is warm.

تابستان گرم است.

The sun shines in summer.

در تابستان خورشید می تابد.

We like to go for a walk in summer.

در تابستان دوست داریم پیاده روی کنیم.

The winter is cold.

زمستان سرد است.

It snows or rains in winter.

در زمستان برف یا باران می بارد.

We like to stay home in winter.

در زمستان بیشتر دوست داریم در خانه بمانیم.

It is cold.

سرد است.

It is raining.

باران می بارد.

It is windy.

باد می وزد.

It is warm.

گرم است.

It is sunny.

آفتابی است.

It is pleasant.

هوا صاف است.

What is the weather like today?

هوا امروز چگونه است؟

It is cold today.

امروز سرد است.

It is warm today.

امروز گرم است.



17 [seventeen]

۱۷ [هفده]

**Around the house**

در خانه

**Our house is here.**

اینجا خانه ماست.

**The roof is on top.**

بالا پشت بام است.

**The basement is below.**

پائین زیرزمین است.

**There is a garden behind the house.**

پشت خانه یک باغ است.

**There is no street in front of the house.**

جلوی خانه خیابانی نیست.

**There are trees next to the house.**

کنار خانه درختانی هستند.

**My apartment is here.**

اینجا آپارتمان من است.

**The kitchen and bathroom are here.**

اینجا آشپزخانه و حمام است.

**The living room and bedroom are there.**

آنجا اتاق نشیمن و اتاق خواب است.

**The front door is closed.**

درب خانه بسته است.

**But the windows are open.**

اما پنجره ها باز هستند.

**It is hot today.**

امروز خیلی گرم است.

**We are going to the living room.**

ما به اتاق نشیمن می رویم.

**There is a sofa and an armchair there.**

آنجا یک کاناپه و یک میبل قرار دارند.

**Please, sit down!**

بفرمایید!

**My computer is there.**

آنجا کامپیوتر من قرار دارد.

**My stereo is there.**

آنجا دستگاه استریوی من قرار دارد.

**The TV set is brand new.**

تلویزیون کاملاً نو است.



18 [eighteen]

۱۸ [هجده]

House cleaning

نظافت خانه

Today is Saturday.

امروز شنبه است.

We have time today.

ما امروز وقت داریم.

We are cleaning the apartment today.

امروز آپارتمان را تمیز می کنیم.

I am cleaning the bathroom.

من حمام را تمیز می کنم.

My husband is washing the car.

شوهرم اتومبیل را می شوید.

The children are cleaning the bicycles.

بچه ها دوچرخه ها را تمیز می کنند.

Grandma is watering the flowers.

مادربزرگ به گلها آب می دهد.

The children are cleaning up the children's room.

بچه ها اتاقشان را تمیز می کنند.

My husband is tidying up his desk.

شوهرم میز تحریرش را مرتب می کند.

I am putting the laundry in the washing machine.

من لباسها را درون ماشین لباس شوئی می ریزم.

I am hanging up the laundry.

من لباسها را آویزان می کنم.

I am ironing the clothes.

من لباسها را اتو می کنم.

The windows are dirty.

پنجره ها کثیف هستند.

The floor is dirty.

کف اتاق کثیف است.

The dishes are dirty.

ظرفها کثیف هستند.

Who washes the windows?

کی پنجره ها را تمیز می کند؟

Who does the vacuuming?

کی جارو می کند؟

Who does the dishes?

کی ظرفها را می شوید؟



19 [nineteen]

۱۹ [نوزده]

In the kitchen

در آشپزخانه

Do you have a new kitchen?

تو یک آشپزخانه جدید داری؟

What do you want to cook today?

امروز چه غذایی میخواهی بپزی؟

Do you cook on an electric or a gas stove?

تو با برق یا با گاز غذا می پزی؟

Shall I cut the onions?

پیازها را قاچ کنم؟

Shall I peel the potatoes?

سیب زمینی ها را پوست بکنم؟

Shall I rinse the lettuce?

کاهو را بشویم؟

Where are the glasses?

لیوانها کجا هستند؟

Where are the dishes?

ظرفها کجا هستند؟

Where is the cutlery / silverware (am.)?

قاشق و چنگال و کارد کجا هستند؟

Do you have a tin opener / can opener (am.)?

تو یک درب بازکن قوطی داری؟

Do you have a bottle opener?

تو یک درب بازکن بطری داری؟

Do you have a corkscrew?

تو یک چوب پنبه کش داری؟

Are you cooking the soup in this pot?

تو تو این قابلمه سوپ می پزی؟

Are you frying the fish in this pan?

تو ماهی را در این ماهی تابه سرخ می کنی؟

Are you grilling the vegetables on this grill?

تو سبزی را با گریل کباب می کنی؟

I am setting the table.

من میز را می چینم.

Here are the knives, the forks and the spoons.

کاردها، چنگال ها و قاشق ها اینجا هستند.

Here are the glasses, the plates and the napkins.

لیوانها، بشقابها و دستمال سفره ها اینجا هستند.



20 [twenty]

۲۰ [بیست]

Small Talk 1

گفتگوی کوتاه ۱

**Make yourself comfortable!**

راحت باشید!

**Please, feel right at home!**

منزل خودتان است.

**What would you like to drink?**

چه میل دارید بنوشید؟

**Do you like music?**

موسیقی دوست دارید؟

**I like classical music.**

من موسیقی کلاسیک دوست دارم.

**These are my CD's.**

اینها سی دی های من هستند.

**Do you play a musical instrument?**

شما ساز می نوازید؟

**This is my guitar.**

این گیتار من است.

**Do you like to sing?**

شما به آواز خواندن علاقه دارید؟

**Do you have children?**

شما فرزند دارید؟

**Do you have a dog?**

شما سگ دارید؟

**Do you have a cat?**

شما گربه دارید؟

**These are my books.**

اینها کتاب های من هستند.

**I am currently reading this book.**

من الان دارم این کتاب را می خوانم.

**What do you like to read?**

در چه حوزه ای مطالعه دارید؟

**Do you like to go to concerts?**

شما علاقه مند به کنسرت رفتن هستید؟

**Do you like to go to the theatre / theater (am.)?**

شما علاقه مند به تئاتر رفتن هستید؟

**Do you like to go to the opera?**

شما علاقه مند به اپرا رفتن هستید؟



21 [twenty-one]

۲۱ [بیست و یک]

Small Talk 2

گفتگوی کوتاه ۲

Where do you come from?

شما از کجا می آید؟

From Basel.

از بازل.

Basel is in Switzerland.

بازل در سوییس قرار دارد.

May I introduce Mr. Miller?

می توانم آقای مولر را به شما معرفی کنم؟

He is a foreigner.

او خارجی است.

He speaks several languages.

او به چندین زبان تسلط دارد.

Are you here for the first time?

شما برای اولین بار اینجا هستید؟

No, I was here once last year.

نه، من سال گذشته هم اینجا بودم.

Only for a week, though.

اما تنها یک هفته.

How do you like it here?

از اینجا خوشتان می آید؟

A lot. The people are nice.

بسیار. مردم مهربان هستند.

And I like the scenery, too.

از مناظر اینجا هم خوشم می آید.

What is your profession?

شغل شما چیست؟

I am a translator.

من مترجم هستم.

I translate books.

من کتاب ترجمه می کنم.

Are you alone here?

شما اینجا تنها هستید؟

No, my wife / my husband is also here.

نه، خانم / شوهرم هم اینجا است.

And those are my two children.

و دو فرزندم آنجا هستند.



22 [twenty-two]

۲۲ [بیست و دو]

Small Talk 3

گفتگوی کوتاه ۳

**Do you smoke?**

شما سیگار می کشید؟

**I used to.**

در گذشته، بله.

**But I don't smoke anymore.**

اما حالا دیگر سیگار نمی کشم.

**Does it disturb you if I smoke?**

اذیت می شوید اگر من سیگار بکشم؟

**No, absolutely not.**

نه، مطلقاً نه.

**It doesn't disturb me.**

مزاحمتی برای من نیست.

**Will you drink something?**

شما چیزی می نوشید؟

**A coffee?**

یک قهوه؟

**No, preferably a tea.**

نه، ترجیح میدهم یک چای بنوشم.

**Do you travel a lot?**

شما زیاد مسافرت می کنید؟

**Yes, mostly on business trips.**

بله، البته اکثراً سفر های کاری.

**But now we're on holiday.**

اما حالا اینجا تعطیلاتمان را می گذرانیم.

**It's so hot!**

اینجا چقدر گرم است.

**Yes, today it's really hot.**

بله امروز واقعاً گرم است.

**Let's go to the balcony.**

برویم روی بالکن.

**There's a party here tomorrow.**

فردا اینجا یک مهمانی برگزار می شود.

**Are you also coming?**

شما هم می آید؟

**Yes, we've also been invited.**

بله، ما هم دعوت شده ایم.



23 [twenty-three]

۲۳ [بیست و سه]

Learning foreign languages

یادگیری زبانهای خارجی

Where did you learn Spanish?

شما کجا اسپانیائی یاد گرفتید؟

Can you also speak Portuguese?

پرتغالی هم بلدید؟

Yes, and I also speak some Italian.

بله، ایتالیایی هم قدری بلدم.

I think you speak very well.

به نظر من شما خیلی خوب صحبت می کنید.

The languages are quite similar.

زبان ها تا حد زیادی شبیه هم هستند.

I can understand them well.

من آنها (زبانها) را خوب متوجه می شوم.

But speaking and writing is difficult.

اما صحبت کردن و نوشتن مشکل است.

I still make many mistakes.

من هنوز خیلی اشتباه می کنم.

Please correct me each time.

لطفاً هر بار مرا تصحیح کنید.

Your pronunciation is very good.

تلفظ شما خیلی خوب است.

You only have a slight accent.

فقط کمی لهجه دارید.

One can tell where you come from.

می توان فهمید اهل کجا هستید.

What is your mother tongue / native language (am.)?

زبان مادری شما چیست؟

Are you taking a language course?

شما به کلاس زبان می روید؟

Which textbook are you using?

از کدام کتاب درسی استفاده می کنید؟

I don't remember the name right now.

الان نمی دانم اسم آن چیست.

The title is not coming to me.

عنوان کتاب یادم نمی آید.

I've forgotten it.

نام آن را فراموش کرده ام.





24 [twenty-four]

۲۴ [بیست و چهار]

Appointment

قرار ملاقات

Did you miss the bus?

به اتوبوس نرسیدی؟

I waited for you for half an hour.

من نیم ساعت منتظر تو بودم.

Don't you have a mobile / cell phone (am.) with you?

تلفن همراه با خودت نداری؟

Be punctual next time!

دفعه دیگر وقت شناس باش!

Take a taxi next time!

دفعه دیگر با تاکسی بیا!

Take an umbrella with you next time!

دفعه دیگر یک چتر با خودت بیاور!

I have the day off tomorrow.

فردا تعطیل هستم.

Shall we meet tomorrow?

می خواهی فردا قراری بگذاریم؟

I'm sorry, I can't make it tomorrow.

متاسفم، من فردا وقت ندارم.

Do you already have plans for this weekend?

این آخر هفته برنامه ای داری؟

Or do you already have an appointment?

یا این که با کسی قرار ملاقات داری؟

I suggest that we meet on the weekend.

من پیشنهاد می کنم آخر هفته همدیگر را ببینیم.

Shall we have a picnic?

می خواهی به پیک نیک برویم؟

Shall we go to the beach?

می خواهی به ساحل دریا برویم؟

Shall we go to the mountains?

می خواهی به کوه برویم؟

I will pick you up at the office.

من درب اداره دنبالت می آیم.

I will pick you up at home.

من درب خانه دنبالت می آیم.

I will pick you up at the bus stop.

من جلوی ایستگاه اتوبوس دنبالت می آیم.



25 [twenty-five]

۲۵ [بیست و پنج]

In the city

در شهر

I would like to go to the station.

من می خواهم به طرف ایستگاه قطار بروم.

I would like to go to the airport.

من می خواهم به فرودگاه بروم.

I would like to go to the city centre / center (am.).

من می خواهم به مرکز شهر بروم.

How do I get to the station?

چه جوری به ایستگاه قطار بروم؟

How do I get to the airport?

چه جوری به فرودگاه بروم؟

How do I get to the city centre / center (am.)?

چه جوری به مرکز شهر بروم؟

I need a taxi.

من به یک تاکسی احتیاج دارم.

I need a city map.

من به یک نقشه احتیاج دارم.

I need a hotel.

من به یک هتل احتیاج دارم.

I would like to rent a car.

من می خواهم یک اتومبیل کرایه کنم.

Here is my credit card.

این کارت اعتباری من است

Here is my licence / license (am.).

این گواهی نامه رانندگی من است.

What is there to see in the city?

در شهر چه چیزی برای دیدن وجود دارد؟

Go to the old city.

به بافت قدیم شهر بروید.

Go on a city tour.

یک گردش با تور در شهر انجام دهید.

Go to the harbour / harbor (am.).

به بندر بروید.

Go on a harbour / harbor (am.) tour.

گردشی در بندر کنید.

Are there any other places of interest?

دیدنی های دیگری هم وجود دارند؟



26 [twenty-six]

۲۶ [بیست و شش]

In nature

در طبیعت

Do you see the tower there?

آن برج را آنجا می بینی؟

Do you see the mountain there?

آن کوه را آنجا می بینی؟

Do you see the village there?

آن دهکده را آنجا می بینی؟

Do you see the river there?

آن رودخانه را آنجا می بینی؟

Do you see the bridge there?

آن پل را آنجا می بینی؟

Do you see the lake there?

آن دریاچه را آنجا می بینی؟

I like that bird.

من از آن پرنده خوشم می آید.

I like that tree.

از آن درخت خوشم می آید.

I like this stone.

از این سنگ خوشم می آید.

I like that park.

از آن پارک خوشم می آید.

I like that garden.

از آن باغ خوشم می آید.

I like this flower.

از این گل خوشم می آید.

I find that pretty.

به نظر من آن زیباست.

I find that interesting.

به نظر من آن جالب است.

I find that gorgeous.

به نظر من آن بسیار زیباست.

I find that ugly.

به نظر من آن زشت است.

I find that boring.

به نظر من آن کسل کننده است.

I find that terrible.

به نظر من آن وحشتناک است.



27 [twenty-seven]

۲۷ [بیست و هفت]

In the hotel – Arrival

در هتل – ورود به هتل

**Do you have a vacant room?**

اتاق خالی دارید؟

**I have booked a room.**

من یک اتاق رزرو کرده ام.

**My name is Miller.**

اسم من مولر است.

**I need a single room.**

من به یک اتاق یک تخته احتیاج دارم.

**I need a double room.**

من به یک اتاق دو تخته احتیاج دارم.

**What does the room cost per night?**

اتاق شبی چند است؟

**I would like a room with a bathroom.**

من یک اتاق با حمام می خواهم.

**I would like a room with a shower.**

من یک اتاق با دوش می خواهم.

**Can I see the room?**

می توانم اتاق را ببینم؟

**Is there a garage here?**

اینجا پارکینگ دارد؟

**Is there a safe here?**

اینجا گاو صندوق دارد؟

**Is there a fax machine here?**

اینجا فاکس وجود دارد؟

**Fine, I'll take the room.**

بسیار خوب ، من اتاق را می گیرم.

**Here are the keys.**

کلید ها اینجا هستند.

**Here is my luggage.**

چمدان من اینجا است.

**What time do you serve breakfast?**

ساعت چند صبحانه سرو می شود؟

**What time do you serve lunch?**

ساعت چند نهار سرو می شود؟

**What time do you serve dinner?**

ساعت چند شام سرو می شود؟



28 [twenty-eight]

۲۸ [بیست و هشت]

In the hotel – Complaints

در هتل – شکایت

The shower isn't working.

دوش کار نمی کند. (دوش خراب است).

There is no warm water.

آب گرم نمی آید.

Can you get it repaired?

می توانید برای تعمیر آن اقدام کنید؟

There is no telephone in the room.

اتاق فاقد تلفن است.

There is no TV in the room.

اتاق تلویزیون ندارد.

The room has no balcony.

اتاق بدون بالکن است.

The room is too noisy.

اتاق خیلی سروصدا دارد.

The room is too small.

اتاق خیلی کوچک است.

The room is too dark.

اتاق خیلی تاریک است.

The heater isn't working.

شوفاژ کار نمی کند. (شوفاژ خراب است).

The air-conditioning isn't working.

دستگاه تهویه کار نمیکند.

The TV isn't working.

تلویزیون خراب است.

I don't like that.

این مورد پسند من نیست.

That's too expensive.

این برای من خیلی گران است.

Do you have anything cheaper?

چیز ارزان تری ندارید؟

Is there a youth hostel nearby?

در این نزدیکی خوابگاهی وجود دارد؟

Is there a boarding house / a bed and breakfast nearby?

در این نزدیکی پانسیون وجود دارد؟

Is there a restaurant nearby?

در این نزدیکی رستورانی وجود دارد؟



29 [twenty-nine]

۲۹ [بیست و نه]

At the restaurant 1

درستوران ۱

Is this table taken?

آیا این میز آزاد است؟

I would like the menu, please.

لطفاً لیست غذا را به من بدهید.

What would you recommend?

توصیه شما چیست؟

I'd like a mineral water.

لطفاً یک آب معدنی به من بدهید.

I'd like an apple juice.

لطفاً یک آب سیب به من بدهید.

I'd like an orange juice.

لطفاً یک آب پرتقال به من بدهید.

I'd like a coffee.

لطفاً یک قهوه به من بدهید.

I'd like a coffee with milk.

لطفاً یک قهوه با شیر به من بدهید.

With sugar, please.

با شکر، لطفاً

I'd like a tea.

من یک چای می خواهم.

I'd like a tea with lemon.

من یک چای با لیمو می خواهم.

I'd like a tea with milk.

من یک چای با شیر می خواهم.

Do you have cigarettes?

سیگار دارید؟

Do you have an ashtray?

زیرسیگاری دارید؟

Do you have a light?

کبریت دارید؟

I'm missing a fork.

من چنگال ندارم.

I'm missing a knife.

من کارد ندارم.

I'm missing a spoon.

من قاشق ندارم.



30 [thirty]

۳۰ [سی]

At the restaurant 2

در رستوران ۲

An apple juice, please.

یک آب سیب لطفاً.

A lemonade, please.

یک لیموناد لطفاً.

A tomato juice, please.

یک آب گوجه فرنگی لطفاً.

I'd like a glass of tea.

یک لیوان چای لطفاً.

I'd like a glass of water.

یک لیوان آب لطفاً.

I'd like a bottle of milk.

یک بطری شیر لطفاً.

Do you like fish?

ماهی دوست داری؟

Do you like beef?

گوشت گاو دوست داری؟

Do you like pork?

گوشت خوک دوست داری؟

I'd like something without meat.

من یک غذای بدون گوشت می خواهم.

I'd like some mixed vegetables.

من یک ظرف سبزی می خواهم.

I'd like something that won't take much time.

غذایی می خواهم که تهیه آن زیاد طول نکشد.

Would you like that with rice?

غذا را با برنج می خواهید؟

Would you like that with pasta?

غذا را با ماکارونی می خواهید؟

Would you like that with potatoes?

غذا را با سیب زمینی می خواهید؟

That doesn't taste good.

غذا خوشمزه نیست.

The food is cold.

غذا سرد است.

I didn't order this.

من این غذا را سفارش ندادم.



31 [thirty-one]

۳۱ [سی و یک]

At the restaurant 3

در رستوران ۳

I would like a starter.

من یک پیش غذا می خواهم.

I would like a salad.

من یک سالاد می خواهم.

I would like a soup.

من یک سوپ می خواهم.

I would like a dessert.

من یک دسر می خواهم.

I would like an ice cream with whipped cream.

من یک بستنی با خامه می خواهم.

I would like some fruit or cheese.

من میوه یا پنیر می خواهم.

We would like to have breakfast.

ما می خواهیم صبحانه بخوریم.

We would like to have lunch.

ما می خواهیم ناهار بخوریم.

We would like to have dinner.

ما می خواهیم شام بخوریم.

What would you like for breakfast?

شما صبحانه چی میل دارید؟

Rolls with jam and honey?

نان با مربا و عسل؟

Toast with sausage and cheese?

نان تست با سوسیس و پنیر؟

A boiled egg?

یک تخم مرغ پخته؟

A fried egg?

یک تخم مرغ نیمرو؟

An omelette?

یک املت؟

Another yoghurt, please.

لطفاً یک ماست دیگر بیاورید.

Some salt and pepper also, please.

لطفاً باز هم نمک و فلفل بیاورید.

Another glass of water, please.

لطفاً باز هم یک لیوان آب بیاورید.





32 [thirty-two]

۳۲ [سی و دو]

At the restaurant 4

در رستوران ۴

**I'd like chips / French fries (am.) with ketchup.**

یک پرس سیب زمینی سرخ کرده با کچاپ.

**And two with mayonnaise.**

و دو پرس سیب زمینی سرخ کرده با سس مایونز.

**And three sausages with mustard.**

و سه پرس سوسیس سرخ کرده با خردل.

**What vegetables do you have?**

چه نوع سبزی دارید؟

**Do you have beans?**

لوبیا دارید؟

**Do you have cauliflower?**

گل کلم دارید؟

**I like to eat (sweet) corn.**

من ذرت دوست دارم بخورم.

**I like to eat cucumber.**

من خیار دوست دارم بخورم.

**I like to eat tomatoes.**

من گوجه فرنگی دوست دارم بخورم.

**Do you also like to eat leek?**

پیازچه دوست دارید بخورید؟

**Do you also like to eat sauerkraut?**

ترشی کلم دوست دارید بخورید؟

**Do you also like to eat lentils?**

عدس دوست دارید بخورید؟

**Do you also like to eat carrots?**

هویج دوست داری بخوری؟

**Do you also like to eat broccoli?**

بروکلی دوست داری بخوری؟

**Do you also like to eat peppers?**

فلفل سبز دوست داری بخوری؟

**I don't like onions.**

من پیاز دوست ندارم.

**I don't like olives.**

من از زیتون خوشم نمی آید.

**I don't like mushrooms.**

من از قارچ خوشم نمی آید.



33 [thirty-three]

۳۳ [سی و سه]

At the train station

در ایستگاه قطار

When is the next train to Berlin?

قطار بعدی به برلین چه موقع می رود؟

When is the next train to Paris?

قطار بعدی به پاریس چه موقع می رود؟

When is the next train to London?

قطار بعدی به لندن چه موقع می رود؟

When does the train for Warsaw leave?

قطار ورشو ساعت چند حرکت می کند؟

When does the train for Stockholm leave?

قطار استکهلم ساعت چند حرکت می کند؟

When does the train for Budapest leave?

قطار بوداپست ساعت چند حرکت می کند؟

I'd like a ticket to Madrid.

من یک بلیط برای مادرید می خواهم.

I'd like a ticket to Prague.

من یک بلیط برای پراگ می خواهم.

I'd like a ticket to Bern.

من یک بلیط برای برن می خواهم.

When does the train arrive in Vienna?

قطار چه موقع به وین می رسد؟

When does the train arrive in Moscow?

قطار چه موقع به مسکو می رسد؟

When does the train arrive in Amsterdam?

قطار چه موقع به آمستردام می رسد؟

Do I have to change trains?

باید قطار را عوض کنم؟

From which platform does the train leave?

قطار از کدام سکو حرکت می کند؟

Does the train have sleepers?

آیا قطار کوپه خواب دارد؟

I'd like a one-way ticket to Brussels.

من تنها بلیط رفت به بروکسل را می خواهم.

I'd like a return ticket to Copenhagen.

یک بلیط برگشت به کپنهاگ می خواهم.

What does a berth in the sleeper cost?

قیمت بلیط در قطار با کوپه خواب چند است؟



34 [thirty-four]

۳۴ [سی و چهار]

On the train

در قطار

Is that the train to Berlin?

این قطاری است که به برلین می رود؟

When does the train leave?

قطار چه موقع حرکت می کند؟

When does the train arrive in Berlin?

قطار چه موقع به برلین می رسد؟

Excuse me, may I pass?

بیخشید، اجازه هست عبور کنم؟

I think this is my seat.

فکر می کنم اینجا جای من است.

I think you're sitting in my seat.

فکر می کنم شما روی صندلی من نشسته اید.

Where is the sleeper?

کوپه خواب کجا است؟

The sleeper is at the end of the train.

کوپه خواب در انتهای قطار است.

And where is the dining car? – At the front.

و رستوران قطار کجاست؟ در ابتدای قطار.

Can I sleep below?

می توانم پایین بخوابم؟

Can I sleep in the middle?

می توانم وسط بخوابم؟

Can I sleep at the top?

می توانم بالا بخوابم؟

When will we get to the border?

کی به مرز می رسیم؟

How long does the journey to Berlin take?

سفر به برلین چه مدت طول می کشد؟

Is the train delayed?

قطار تاخیر دارد؟

Do you have something to read?

چیزی برای خواندن دارید؟

Can one get something to eat and to drink here?

اینجا می توان خوراکی یا نوشیدنی تهیه کرد؟

Could you please wake me up at 7 o'clock?

ممکن است مرا ساعت ۷ بیدار کنید؟



35 [thirty-five]

۳۵ [سی و پنج]

At the airport

در فرودگاه

I'd like to book a flight to Athens.

من می خواهم یک پرواز به آتن رزرو کنم.

Is it a direct flight?

این یک پرواز مستقیم است؟

A window seat, non-smoking, please.

لطفاً یک صندلی کنار پنجره برای غیر سیگاری ها.

I would like to confirm my reservation.

من می خواهم بلیط رزرو شده ام را تأیید کنم.

I would like to cancel my reservation.

من می خواهم بلیط رزرو شده ام را کنسل کنم.

I would like to change my reservation.

می خواهم تاریخ و ساعت بلیطم را تغییر دهم.

When is the next flight to Rome?

پرواز بعدی به رم چه زمانی است؟

Are there two seats available?

دو جای (صندلی) دیگر خالی است؟

No, we have only one seat available.

نه، ما فقط یک جای خالی داریم.

When do we land?

کی فرود می آییم؟

When will we be there?

کی در مقصد هستیم؟

When does a bus go to the city centre / center (am.)?

چه موقع یک اتوبوس به مرکز شهر می رود؟

Is that your suitcase?

این چمدان شماست؟

Is that your bag?

این کیف شماست؟

Is that your luggage?

این وسایل سفر شماست؟

How much luggage can I take?

چه مقدار بار می توانم با خود بیاورم؟

Twenty kilos.

بیست کیلو

What? Only twenty kilos?

چی، فقط بیست کیلو؟



36 [thirty-six]

۳۶ [سی و شش]

Public transportation

عبور و مرور درون شهری

Where is the bus stop?

ایستگاه اتوبوس کجاست؟

Which bus goes to the city centre / center (am.)?

کدام اتوبوس به مرکز شهر می رود؟

Which bus do I have to take?

چه خطی (چه اتوبوسی) باید سوار شوم؟

Do I have to change?

باید وسیله نقلیه را عوض کنم؟

Where do I have to change?

کجا باید وسیله نقلیه را عوض کنم؟

How much does a ticket cost?

قیمت یک بلیط چند است؟

How many stops are there before downtown / the city centre?

تا مرکز شهر چند ایستگاه است؟

You have to get off here.

شما باید اینجا پیاده شوید.

You have to get off at the back.

شما باید از قسمت عقب ماشین پیاده شوید.

The next train is in 5 minutes.

متروی (زیرمینی) بعدی ۵ دقیقه دیگر می آید.

The next tram is in 10 minutes.

متروی بعدی ۱۰ دقیقه دیگر می آید.

The next bus is in 15 minutes.

اتوبوس بعدی ۱۵ دقیقه دیگر می آید.

When is the last train?

آخرین مترو (زیرمینی) کی حرکت می کند؟

When is the last tram?

آخرین مترو کی حرکت می کند؟

When is the last bus?

آخرین اتوبوس کی حرکت می کند؟

Do you have a ticket?

شما بلیط دارید؟

A ticket? – No, I don't have one.

بلیط؟ – نه ندارم.

Then you have to pay a fine.

پس باید جریمه بپردازید.



37 [thirty-seven]

۳۷ [سی و هفت]

En route

در راه

He drives a motorbike.

او (مرد) با موتورسیکلت حرکت می کند.

He rides a bicycle.

او (مرد) با دوچرخه حرکت می کند.

He walks.

او (مرد) پیاده می رود.

He goes by ship.

او (مرد) با کشتی حرکت می کند.

He goes by boat.

او (مرد) با قایق حرکت می کند.

He swims.

او (مرد) شنا می کند.

Is it dangerous here?

اینجا جای خطرناکی است؟

Is it dangerous to hitchhike alone?

آیا تنهایی قدم زدن خطرناک است؟

Is it dangerous to go for a walk at night?

آیا شب ها به پیاده روی رفتن خطرناک است؟

We got lost.

ما راه را (با ماشین) اشتباه رفته ایم.

We're on the wrong road.

ما در مسیر اشتباه هستیم.

We must turn around.

ما باید برگردیم.

Where can one park here?

اینجا کجا می شود پارک کرد؟

Is there a parking lot here?

اینجا پارکینگ وجود دارد؟

How long can one park here?

چه مدت می توان اینجا پارک کرد؟

Do you ski?

شما اسکی می کنید؟

Do you take the ski lift to the top?

با تله سیژ (بالابر اسکی) بالا می روید؟

Can one rent skis here?

آیا می توان اینجا چوب اسکی کرایه کرد؟



38 [thirty-eight]

۳۸ [سی و هشت]

In the taxi

در تاکسی

Please call a taxi.

لطفاً یک تاکسی صدا کنید.

What does it cost to go to the station?

تا ایستگاه قطار کرایه چقدر است؟

What does it cost to go to the airport?

تا فرودگاه کرایه چقدر است؟

Please go straight ahead.

لطفاً مستقیم بروید.

Please turn right here.

لطفاً اینجا سمت راست بروید.

Please turn left at the corner.

لطفاً آنجا سر نبش سمت چپ بروید.

I'm in a hurry.

من عجله دارم.

I have time.

من وقت دارم.

Please drive slowly.

لطفاً آهسته تر برانید.

Please stop here.

لطفاً اینجا توقف کنید.

Please wait a moment.

لطفاً یک لحظه صبر کنید.

I'll be back immediately.

من الان بر می گردم.

Please give me a receipt.

لطفاً یک قبض رسید به من بدهید.

I have no change.

من پول خرد ندارم.

That is okay, please keep the change.

درست است، بقیه پول برای خودتان.

Drive me to this address.

مرا به این آدرس ببرید.

Drive me to my hotel.

مرا به هتلم ببرید.

Drive me to the beach.

مرا (با ماشین) به ساحل ببرید.



39 [thirty-nine]

۳۹ [سی و نه]

Car breakdown

خرابی ماشین

Where is the next gas station?

پمپ بنزین بعدی کجاست؟

I have a flat tyre / tire (am.).

لاستیکم پنجرشده است.

Can you change the tyre / tire (am.)?

میتوانید چرخ ماشین را عوض کنید؟

I need a few litres / liters (am.) of diesel.

من به چند لیتر گازوئیل نیاز دارم.

I have no more petrol / gas (am.).

من دیگر بنزین ندارم.

Do you have a petrol can / jerry can / gas can (am.)?

گالن ذخیره بنزین همراه دارید؟

Where can I make a call?

کجا می توانم تلفن بزنم؟

I need a towing service.

من احتیاج به ماشین امداد خودرو جهت یوکسل کردن دارم.

I'm looking for a garage.

من دنبال یک تعمیرگاه هستم.

An accident has occurred.

یک تصادف رخ داده است.

Where is the nearest telephone?

باجه تلفن بعدی کجاست؟

Do you have a mobile / cell phone (am.) with you?

تلفن همراه نزدتان هست؟

We need help.

ما احتیاج به کمک داریم.

Call a doctor!

یک دکتر صدا کنید!

Call the police!

پلیس را خبر کنید!

Your papers, please.

مدارکتان لطفاً

Your licence / license (am.), please.

لطفاً گواهی نامه خود را نشان دهید.

Your registration, please.

لطفاً کارت خودرو را نشان دهید.





40 [forty]

۴۰ [چهل]

Asking for directions

سؤال در مورد مسیر حرکت

Excuse me!

معذرت می‌خواهم!

Can you help me?

میتوانید به من کمک کنید؟

Is there a good restaurant around here?

در این اطراف رستوران خوبی وجود دارد؟

Take a left at the corner.

سر نبش، سمت چپ بروید.

Then go straight for a while.

سپس مقداری مستقیم بروید.

Then go right for a hundred metres / meters (am.).

بعد صد متر به طرف راست بروید.

You can also take the bus.

با اتوبوس هم میتوانید بروید.

You can also take the tram.

با مترو هم می‌توانید بروید.

You can also follow me with your car.

اصلاً می‌توانید پشت سر من حرکت کنید.

How do I get to the football / soccer (am.) stadium?

چگونه به استادیوم فوتبال بروم؟

Cross the bridge!

از پل عبور کنید.

Go through the tunnel!

از تونل عبور کنید.

Drive until you reach the third traffic light.

تا سومین چراغ راهنما بروید.

Then turn into the first street on your right.

سپس اولین خیابان به طرف راست بپیچید.

Then drive straight through the next intersection.

و بعد از چهارراه عبور کنید.

Excuse me, how do I get to the airport?

بیخشید، چگونه به فرودگاه بروم؟

It is best if you take the underground / subway (am.).

بهترین راه این است که با مترو بروید.

Simply get out at the last stop.

تا آخرین ایستگاه بروید.



41 [forty-one]

۴۱ [چهل و یک]

Where is ... ?

جهت یابی

Where is the tourist information office?

سازمان گردشگری کجاست؟

Do you have a city map for me?

یک نقشه شهری برای من دارید؟

Can one reserve a room here?

میتوان اینجا یک اتاق در هتل رزرو کرد؟

Where is the old city?

بافت قدیم شهر کجاست؟

Where is the cathedral?

کلیسای بزرگ کجاست؟

Where is the museum?

موزه کجاست؟

Where can one buy stamps?

کجا میتوان تمبر خرید؟

Where can one buy flowers?

کجا میتوان گل خرید؟

Where can one buy tickets?

کجا میتوان بلیط خرید؟

Where is the harbour / harbor (am.)?

بندر کجاست؟

Where is the market?

بازار کجاست؟

Where is the castle?

قصر کجاست؟

When does the tour begin?

تور بازدید کی شروع میشود؟

When does the tour end?

تور بازدید کی تمام میشود؟

How long is the tour?

تور بازدید چقدر طول میکشد؟

I would like a guide who speaks German.

من یک راهنما میخواهم که آلمانی صحبت کند.

I would like a guide who speaks Italian.

من یک راهنما میخواهم که ایتالیایی صحبت کند.

I would like a guide who speaks French.

من یک راهنما میخواهم که فرانسوی صحبت کند.



42 [forty-two]

۴۲ [چهل و دو]

City tour

بازدید از شهر

Is the market open on Sundays?

بازار یکشنبه ها باز است؟

Is the fair open on Mondays?

نمایشگاه دوشنبه ها باز است؟

Is the exhibition open on Tuesdays?

نمایشگاه (گالری) سه شنبه ها باز است؟

Is the zoo open on Wednesdays?

باغ وحش چهارشنبه ها باز است؟

Is the museum open on Thursdays?

موزه پنجشنبه ها باز است؟

Is the gallery open on Fridays?

گالری جمعه ها باز است؟

Can one take photographs?

عکس گرفتن مجاز است؟

Does one have to pay an entrance fee?

باید ورودی داد؟

How much is the entrance fee?

بلیط ورودی چند است؟

Is there a discount for groups?

تخفیف برای گروه وجود دارد؟

Is there a discount for children?

تخفیف برای بچه ها وجود دارد؟

Is there a discount for students?

تخفیف برای دانشجویان وجود دارد؟

What building is that?

این چه ساختمانی است؟

How old is the building?

قدمت ساختمان چقدر است؟

Who built the building?

چه کسی ساختمان را بنا (ساخته است) کرده است؟

I'm interested in architecture.

من به معماری علاقه مندم.

I'm interested in art.

من علاقه مند به هنر هستم.

I'm interested in paintings.

من علاقه مند به نقاشی هستم.



43 [forty-three]

۴۳ [چهل و سه]

At the zoo

در باغ وحش

The zoo is there.

آنجا باغ وحش است.

The giraffes are there.

آنجا زرافه ها هستند.

Where are the bears?

خرسها کجا هستند؟

Where are the elephants?

فیل ها کجا هستند؟

Where are the snakes?

مارها کجا هستند؟

Where are the lions?

شیرها کجا هستند؟

I have a camera.

من یک دوربین عکاسی دارم.

I also have a video camera.

من یک دوربین فیلم برداری هم دارم.

Where can I find a battery?

باتری کجاست؟

Where are the penguins?

پنگوئن ها کجا هستند؟

Where are the kangaroos?

کانگوروها کجا هستند؟

Where are the rhinos?

کرگدن ها کجا هستند؟

Where is the toilet / restroom (am.)?

توالت کجاست؟

There is a café over there.

آنجا یک کافه است.

There is a restaurant over there.

آنجا یک رستوران است.

Where are the camels?

شترها کجا هستند؟

Where are the gorillas and the zebras?

گوریل ها و گورخرها کجا هستند؟

Where are the tigers and the crocodiles?

ببرها و تمساح ها کجا هستند؟



44 [forty-four]

۴۴ [چهل و چهار]

Going out in the evening

گردش عصر (شب)

Is there a disco here?

در اینجا دیسکو وجود دارد؟

Is there a nightclub here?

در اینجا کاباره وجود دارد؟

Is there a pub here?

آیا اینجا یک بار وجود دارد؟

What's playing at the theatre / theater (am.)  
this evening?

امشب برنامه تئاتر چیست؟

What's playing at the cinema / movies (am.)  
this evening?

برنامه امشب سینما چیست؟

What's on TV this evening?

امشب تلویزیون چی نشان می دهد؟

Are tickets for the theatre / theater (am.) still  
available?

هنوز بلیط تئاتر موجود است؟

Are tickets for the cinema / movies (am.) still  
available?

هنوز بلیط سینما موجود است؟

Are tickets for the football / soccer am. game  
still available?

هنوز بلیط برای تماشای بازی فوتبال موجود است؟

I want to sit in the back.

من دوست دارم کاملا عقب بنشینم.

I want to sit somewhere in the middle.

من دوست دارم یک جایی در وسط بنشینم.

I want to sit at the front.

من دوست دارم کاملا جلو بنشینم.

Could you recommend something?

می توانید چیزی به من توصیه کنید؟

When does the show begin?

نمایش چه موقع شروع می شود؟

Can you get me a ticket?

می توانید برای من یک بلیط تهیه کنید؟

Is there a golf course nearby?

آیا این نزدیکی ها یک زمین گلف وجود دارد؟

Is there a tennis court nearby?

آیا این نزدیکی ها یک زمین تنیس وجود دارد؟

Is there an indoor swimming pool nearby?

آیا این نزدیکی ها یک استخر سرپوشیده وجود دارد؟



45 [forty-five]

۴۵ [چهل و پنج]

At the cinema

در سینما

We want to go to the cinema.

ما می خواهیم به سینما برویم.

A good film is playing today.

امروز فیلم خوبی روی پرده است.

The film is brand new.

این فیلم کاملاً جدید است.

Where is the cash register?

گیشه فروش بلیط کجاست؟

Are seats still available?

هنوز صندلی خالی وجود دارد؟

How much are the admission tickets?

قیمت بلیط چند است؟

When does the show begin?

نمایش فیلم چه موقع شروع می شود؟

How long is the film?

نمایش فیلم چه مدت طول می کشد؟

Can one reserve tickets?

می توان بلیط رزرو کرد؟

I want to sit at the back.

من دوست دارم عقب بنشینم.

I want to sit at the front.

من دوست دارم جلو بنشینم.

I want to sit in the middle.

من دوست دارم وسط بنشینم.

The film was exciting.

فیلم مهیج بود.

The film was not boring.

فیلم خسته کننده نبود.

But the book on which the film was based was better.

اما کتاب مربوط به این فیلم بهتر بود.

How was the music?

موزیک چطور بود؟

How were the actors?

هنرپیشه ها چطور بودند؟

Were there English subtitles?

آیا زیر نویس انگلیسی داشت؟



46 [forty-six]

۴۶ [چهل و شش]

At the gym

در باشگاه

Is this seat taken?

این صندلی خالی است؟

May I sit with you?

اجازه هست کنار شما بنشینیم؟

Sure.

با کمال میل.

How do you like the music?

نظرتان در مورد موسیقی چیست؟

A little too loud.

صدای آن کمی بلند است.

But the band plays very well.

اما گروه موسیقی کارش را نسبتاً خوب انجام می دهد.

Do you come here often?

شما زیاد اینجا می آید؟

No, this is the first time.

نه، این اولین بار است.

I've never been here before.

من تا به حال اینجا نیامدم.

Would you like to going to the pool?

شما به استخر می روید؟

Maybe later.

شاید بعداً.

I can't swim very well.

من نمی توانم خوب شنا کنم.

It's very easy.

خیلی ساده است.

I'll show you.

من به شما نشان می دهم.

No, maybe some other time.

نه، ترجیح می دهم زمانی دیگر شنا کنم.

Are you waiting for someone?

منتظر کسی هستید؟

Yes, for my friend.

بله، منتظر دوستم هستم.

There he is!

آنجاست، دارد می آید!



47 [forty-seven]

۴۷ [چهل و هفت]

Preparing a trip

تدارک سفر

**You have to pack our suitcase!**

تو باید چمدانمان را آماده کنی!

**Don't forget anything!**

نباید چیزی را فراموش کنی!

**You need a big suitcase!**

به یک چمدان بزرگ نیاز داری!

**Don't forget your passport!**

پاسپورت را فراموش نکن.

**Don't forget your ticket!**

بلیط هواپیما را فراموش نکن.

**Don't forget your traveller's cheques /  
traveler's checks (am.)!**

چک های مسافرتی را فراموش نکن.

**Take some suntan lotion with you.**

کرم ضدآفتاب را بردار.

**Take the sun-glasses with you.**

عینک آفتابی را بردار.

**Take the sun hat with you.**

کلاه آفتاب گیر را بردار.

**Do you want to take a road map?**

می خواهی نقشه خیابانها را با خود ببری؟

**Do you want to take a travel guide?**

می خواهی یک کتابچه راهنمای سفر با خود ببری؟

**Do you want to take an umbrella?**

می خواهی یک چتر با خود ببری؟

**Remember to take pants, shirts and socks.**

حواست به شلوار ها، پیراهن ها و جوراب ها باشد.

**Remember to take ties, belts and sports  
jackets.**

حواست به کراوات ها، کمر بند ها و کت ها باشد.

**Remember to take pyjamas, nightgowns and  
t-shirts.**

حواست به لباس خواب ها، پیراهن شب و تی شرت ها  
باشد.

**You need shoes, sandals and boots.**

تو کفش، ساندل و چکمه لازم داری.

**You need handkerchiefs, soap and a nail  
clipper.**

تو دستمال کاغذی، صابون و ناخن گیر لازم داری.

**You need a comb, a toothbrush and  
toothpaste.**

تو یک شانه، یک مسواک و خمیردندان لازم داری.





48 [forty-eight]

۴۸ [چهل و هشت]

Vacation activities

فعالیت های تعطیلاتی

Is the beach clean?

ساحل تمیز است؟

Can one swim there?

می توان آنجا شنا کرد؟

Isn't it dangerous to swim there?

شنا کردن در آنجا خطرناک نیست؟

Can one rent a sun umbrella / parasol here?

می توان در اینجا یک چتر آفتابی کرایه کرد؟

Can one rent a deck chair here?

می توان اینجا یک صندلی راحتی کرایه کرد؟

Can one rent a boat here?

می توان اینجا یک قایق کرایه کرد؟

I would like to surf.

دوست دارم موج سواری کنم.

I would like to dive.

دوست دارم غواصی کنم.

I would like to water ski.

دوست دارم اسکی روی آب بروم.

Can one rent a surfboard?

می توان یک تخته موج سواری کرایه کرد؟

Can one rent diving equipment?

می توان وسائل غواصی کرایه کرد؟

Can one rent water skis?

می توان اسکی های آب کرایه کرد؟

I'm only a beginner.

من مبتدی هستم.

I'm moderately good.

من به آن آشنایی دارم.

I'm pretty good at it.

من در آن نسبتاً خوب هستم.

Where is the ski lift?

بالابر اسکی کجاست؟

Do you have skis?

تو وسایل اسکی همراه داری؟

Do you have ski boots?

کفش اسکی همراه داری؟



49 [forty-nine]

۴۹ [چهل و نه]

Sports

ورزش

Do you exercise?

تمرین می کنی؟

Yes, I need some exercise.

بله، من باید تمرین داشته باشم.

I am a member of a sports club.

من به یک باشگاه ورزشی می روم.

We play football / soccer (am.).

ما فوتبال بازی می کنیم.

We swim sometimes.

گاهی اوقات شنا می کنیم.

Or we cycle.

یا این که دوچرخه سواری می کنیم.

There is a football / soccer (am.) stadium in our city.

در شهر ما یک استادیوم فوتبال وجود دارد.

There is also a swimming pool with a sauna.

یک استخر با سونا هم وجود دارد.

And there is a golf course.

و یک زمین گلف هم وجود دارد.

What is on TV?

تلویزیون چه برنامه ای دارد؟

There is a football / soccer (am.) match on now.

الان یک بازی فوتبال در حال پخش است.

The German team is playing against the English one.

تیم آلمان در مقابل تیم انگلیس بازی می کند.

Who is winning?

چه کسی (کدام تیم) برنده می شود؟

I have no idea.

نمی دانم.

It is currently a tie.

فعلا بازی مساویست.

The referee is from Belgium.

داور از بلژیک است.

Now there is a penalty.

الان پنالتی شد.

Goal! One – zero!

گل! یک بر هیچ.



50 [fifty]

۵۰ [پنجاه]

In the swimming pool

در استخر شنا

It is hot today.

امروز هوا خیلی گرم است.

Shall we go to the swimming pool?

به استخر برویم؟

Do you feel like swimming?

دوست داری برویم شنا؟

Do you have a towel?

حوله داری؟

Do you have swimming trunks?

مایو داری؟

Do you have a bathing suit?

لباس شنا داری؟

Can you swim?

شنا کردن بلدی؟

Can you dive?

غواصی بلدی؟

Can you jump in the water?

میتوانی شیرجه بزنی؟

Where is the shower?

دوش کجاست؟

Where is the changing room?

رختکن کجاست؟

Where are the swimming goggles?

عینک شنا کجاست؟

Is the water deep?

آب استخر عمیق است؟

Is the water clean?

آب تمیز است؟

Is the water warm?

آب گرم است؟

I am freezing.

من دارم یخ می زنم.

The water is too cold.

آب زیادی سرد است.

I am getting out of the water now.

من دیگر از آب خارج می شوم.



51 [fifty-one]

۵۱ [پنجاه و یک]

**Running errands**

خرید مایحتاج

**I want to go to the library.**

من می خواهم به کتابخانه بروم.

**I want to go to the bookstore.**

من می خواهم به کتاب فروشی بروم.

**I want to go to the newspaper stand.**

من می خواهم به کیوسک بروم.

**I want to borrow a book.**

من می خواهم یک کتاب به امانت بگیرم.

**I want to buy a book.**

من می خواهم یک کتاب بخرم.

**I want to buy a newspaper.**

من می خواهم یک روزنامه بخرم.

**I want to go to the library to borrow a book.**

من می خواهم به کتابخانه بروم تا یک کتاب به امانت بگیرم.

**I want to go to the bookstore to buy a book.**

من می خواهم به کتابفروشی بروم تا یک کتاب بخرم.

**I want to go to the kiosk / newspaper stand to buy a newspaper.**

من می خواهم به کیوسک بروم تا یک روزنامه بخرم.

**I want to go to the optician.**

من می خواهم به عینک فروشی بروم.

**I want to go to the supermarket.**

من می خواهم به سوپر مارکت بروم.

**I want to go to the bakery.**

من می خواهم به نانوائی بروم.

**I want to buy some glasses.**

من می خواهم یک عینک بخرم.

**I want to buy fruit and vegetables.**

من می خواهم میوه و سبزی بخرم.

**I want to buy rolls and bread.**

من می خواهم نان صبحانه و نان بخرم.

**I want to go to the optician to buy glasses.**

من می خواهم به عینک فروشی بروم تا یک عینک بخرم.

**I want to go to the supermarket to buy fruit and vegetables.**

من می خواهم به سوپر مارکت بروم تا میوه و سبزی بخرم.

**I want to go to the baker to buy rolls and bread.**

من می خواهم به نانوائی بروم تا نان صبحانه و نان بخرم.



52 [fifty-two]

۵۲ [پنجاه و دو]

In the department store

در فروشگاه

Shall we go to the department store?

برویم به یک فروشگاه؟

I have to go shopping.

من باید خریدهایم را انجام دهم.

I want to do a lot of shopping.

من می‌خواهم خیلی خرید کنم.

Where are the office supplies?

لوازم اداری کجا هستند؟

I need envelopes and stationery.

من پاکت نامه و کاغذ نامه لازم دارم.

I need pens and markers.

من چند خودکار و ماژیک لازم دارم.

Where is the furniture?

مبل‌ها کجا هستند؟

I need a cupboard and a chest of drawers.

من یک قفسه و یک دراور لازم دارم.

I need a desk and a bookshelf.

من یک میز تحریر و یک قفسه‌ی کتاب لازم دارم.

Where are the toys?

اسباب بازیها کجا هستند؟

I need a doll and a teddy bear.

من یک عروسک و یک خرس پارچه‌ای لازم دارم.

I need a football and a chess board.

من یک توپ فوتبال و یک تخته شطرنج لازم دارم.

Where are the tools?

ابزارآلات کجا هستند؟

I need a hammer and a pair of pliers.

من یک چکش و یک انبردست لازم دارم.

I need a drill and a screwdriver.

من یک دریل و یک آچار لازم دارم.

Where is the jewellery / jewelry (am.)  
department?

جواهرات کجا هستند؟

I need a chain and a bracelet.

من یک گردن بند و یک دست بند لازم دارم.

I need a ring and earrings.

من یک حلقه و گوشواره لازم دارم.



53 [fifty-three]

۵۳ [پنجاه و سه]

Shops

مغازه ها

We're looking for a sports shop.

ما در جستجوی یک فروشگاه ورزشی هستیم.

We're looking for a butcher shop.

ما در جستجوی یک قصابی هستیم.

We're looking for a pharmacy / drugstore (am.).

ما در جستجوی یک داروخانه هستیم.

We want to buy a football.

چون که ما می خواهیم توپ فوتبال بخریم.

We want to buy salami.

چون که ما می خواهیم کالباس بخریم.

We want to buy medicine.

چون که ما می خواهیم دارو بخریم.

We're looking for a sports shop to buy a football.

دنبال فروشگاه ورزشی میگردیم تا توپ فوتبال بخریم.

We're looking for a butcher shop to buy salami.

دنبال قصابی می گردیم تا کالباس بخریم.

We're looking for a drugstore to buy medicine.

دنبال داروخانه می گردیم تا دارو بخریم.

I'm looking for a jeweller / jeweler (am.).

من در جستجوی یک جواهر فروشی هستم.

I'm looking for a photo equipment store.

من در جستجوی یک مغازه عکاسی هستم.

I'm looking for a confectionery.

من در جستجوی یک قنادی هستم.

I actually plan to buy a ring.

من قصد دارم یک حلقه بخرم.

I actually plan to buy a roll of film.

من قصد دارم یک حلقه فیلم بخرم.

I actually plan to buy a cake.

من قصد دارم یک کیک بخرم.

I'm looking for a jeweler to buy a ring.

من در جستجوی یک جواهر فروشی هستم تا یک حلقه بخرم.

I'm looking for a photo shop to buy a roll of film.

من در جستجوی یک عکاسی هستم تا یک حلقه فیلم بخرم.

I'm looking for a confectionery to buy a cake.

من در جستجوی یک قنادی هستم تا یک کیک بخرم.



54 [fifty-four]

۵۴ [پنجاه و چهار]

Shopping

خرید

I want to buy a present.

من می خواهم یک کادو بخرم.

But nothing too expensive.

اما نه چندان گران.

Maybe a handbag?

شاید یک کیف دستی؟

Which color would you like?

چه رنگی دوست دارید؟

Black, brown or white?

سیاه، قهوه ای یا سفید؟

A large one or a small one?

بزرگ باشد یا کوچک؟

May I see this one, please?

می توانم این یکی را ببینم؟

Is it made of leather?

این از جنس چرم است؟

Or is it made of plastic?

یا از مواد مصنوعی است؟

Of leather, of course.

قطعاً چرمی است.

This is very good quality.

از کیفیت بسیار خوبی برخوردار است.

And the bag is really very reasonable.

و قیمت کیف دستی واقعاً مناسب است.

I like it.

از این یکی خوشم می آید.

I'll take it.

این یکی را بر می دارم.

Can I exchange it if needed?

شاید بخواهم آن را عوض کنم، امکان دارد؟

Of course.

بله، مسلماً.

We'll gift wrap it.

آن را به صورت کادو بسته بندی می کنیم.

The cashier is over there.

آن روبرو صندوق پرداخت است.



55 [fifty-five]

۵۵ [پنجاه و پنج]

Working

کار

What do you do for a living?

شغل شما چیست؟

My husband is a doctor.

شوهر من پزشک است.

I work as a nurse part-time.

من نیمه وقت به عنوان پرستار کار می کنم.

We will soon receive our pension.

به زودی حقوق بازنشستگی ما پرداخت می شود.

But taxes are high.

اما مالیات ها زیاد هستند.

And health insurance is expensive.

و بیمه درمانی بالاست (زیاد است).

What would you like to become some day?

تو می خواهی چکاره بشوی؟

I would like to become an engineer.

من می خواهم مهندس بشوم.

I want to go to college.

من می خواهم در دانشگاه تحصیل کنم.

I am an intern.

من کارآموز هستم.

I do not earn much.

درآمد زیاد نیست.

I am doing an internship abroad.

من در خارج از کشور کارآموزی می کنم.

That is my boss.

این رئیس من است.

I have nice colleagues.

من همکارهای مهربانی دارم.

We always go to the cafeteria at noon.

ظہرها همیشه به سلف اداره می رویم.

I am looking for a job.

من در جستجوی کار هستم.

I have already been unemployed for a year.

من یک سال است که بیکار هستم.

There are too many unemployed people in this country.

در این کشور بیکار زیاد است.





56 [fifty-six]

۵۶ [پنجاه و شش]

Feelings

احساس ها

to feel like / want to

تمایل به انجام کاری داشتن

We feel like. / We want to.

ما تمایل به انجام کاری را داریم.

We don't feel like. / We don't want to.

ما تمایل به انجام کاری را نداریم.

to be afraid

ترس داشتن

I'm afraid.

من می ترسم.

I am not afraid.

من نمی ترسم.

to have time

وقت داشتن

He has time.

او (مرد) وقت دارد.

He has no time.

او (مرد) وقت ندارد.

to be bored

بی حوصله بودن

She is bored.

او (زن) بی حوصله است.

She is not bored.

او (زن) حوصله دارد.

to be hungry

گرسنه بودن

Are you hungry?

شما گرسنه هستید؟

Aren't you hungry?

شما گرسنه نیستید؟

to be thirsty

تشنه بودن

They are thirsty.

آنها تشنه هستند.

They are not thirsty.

آنها تشنه نیستند.



57 [fifty-seven]

۵۷ [پنجاه و هفت]

At the doctor

در مطب دکتر

I have a doctor's appointment.

من وقت دکتر دارم.

I have the appointment at ten o'clock.

وقت من ساعت ده می باشد.

What is your name?

اسم شما چیست؟

Please take a seat in the waiting room.

لطفاً در اتاق انتظار تشریف داشته باشید.

The doctor is on his way.

دکتر الان می آید.

What insurance company do you belong to?

بیمه کجا هستید؟

What can I do for you?

چکار می توانم برای شما انجام دهم؟

Do you have any pain?

درد دارید؟

Where does it hurt?

کجای بدن شما درد می کند؟

I always have back pain.

من همیشه کمر درد دارم.

I often have headaches.

من اغلب سردرد دارم.

I sometimes have stomach aches.

من گاهی اوقات دل درد دارم.

Remove your top!

لطفاً بالاتنه خود را آزاد کنید!

Lie down on the examining table.

لطفاً روی تخت دراز بکشید!

Your blood pressure is okay.

فشارخون شما خوب است.

I will give you an injection.

من یک آمپول برایتان می نویسم.

I will give you some pills.

من برایتان قرص می نویسم.

I am giving you a prescription for the pharmacy.

من یک نسخه برای داروخانه به شما می دهم.



58 [fifty-eight]

۵۸ [پنجاه و هشت]

Parts of the body

اعضا بدن

I am drawing a man.

من یک مرد طراحی می کنم.

First the head.

ابتدا سر

The man is wearing a hat.

این مرد یک کلاه بر سر دارد.

One cannot see the hair.

موها را نمی توان دید.

One cannot see the ears either.

گوشها را هم نمی توان دید.

One cannot see his back either.

کمر را هم نمی توان دید.

I am drawing the eyes and the mouth.

من چشم ها و دهان را طراحی می کنم.

The man is laughing.

آن مرد می خندد.

The man has a long nose.

آن مرد یک بینی دراز دارد.

He is carrying a cane in his hands.

او یک عصا در دستهایش دارد.

He is also wearing a scarf around his neck.

او همچنین یک شال گردن به دورگردنش دارد.

It is winter and it is cold.

زمستان است و هوا سرد است.

The arms are athletic.

بازو ها قوی هستند.

The legs are also athletic.

پاها هم قوی هستند.

The man is made of snow.

این مرد از برف درست شده است.

He is neither wearing pants nor a coat.

او شلوار یا پالتو نپوشیده است.

But the man is not freezing.

اما او سردش نیست (نمی لرزد).

He is a snowman.

او یک آدم برفی است.



59 [fifty-nine]

۵۹ [پنجاه و نه]

At the post office

در اداره پست

Where is the nearest post office?

پستخانه بعدی کجاست؟

Is the post office far from here?

تا پستخانه بعدی خیلی راه است؟

Where is the nearest mail box?

صندوق پست بعدی کجاست؟

I need a couple of stamps.

من تعدادی تمپر لازم دارم.

For a card and a letter.

برای یک کارت پستال و یک نامه.

How much is the postage to America?

هزینه ارسال به آمریکا چقدر است؟

How heavy is the package?

وزن بسته چقدر است؟

Can I send it by air mail?

می توانم آن را با پست هوایی ارسال کنم؟

How long will it take to get there?

چه مدت طول می کشد تا محموله به مقصد برسد؟

Where can I make a call?

کجا می توانم تلفن بزنم؟

Where is the nearest telephone booth?

باچه تلفن بعدی کجاست؟

Do you have calling cards?

کارت تلفن دارید؟

Do you have a telephone directory?

دفترچه تلفن دارید؟

Do you know the area code for Austria?

پیش شماره کشور اتریش را می دانید؟

One moment, I'll look it up.

یک لحظه، می روم نگاه کنم.

The line is always busy.

تلفن همیشه اشغال است.

Which number did you dial?

چه شماره ای را گرفتید؟

You have to dial a zero first!

ابتدا باید عدد صفر را بگیرید.



60 [sixty]

۶۰ [شصت]

At the bank

در بانک

I would like to open an account.

من می خواهم یک حساب باز کنم.

Here is my passport.

این پاسپورت من است.

And here is my address.

و این آدرس من است.

I want to deposit money in my account.

من می خواهم پول به حسابم واریز کنم.

I want to withdraw money from my account.

من می خواهم از حسابم پول برداشت کنم.

I want to pick up the bank statements.

من می خواهم موجودی حسابم را بگیرم.

I want to cash a traveller's cheque / traveler's check (am.).

من می خواهم یک چک مسافرتی را نقد کنم.

What are the fees?

مبلغ کارمزد چقدر است؟

Where should I sign?

کجا را باید امضا کنم؟

I'm expecting a transfer from Germany.

من منتظر یک حواله بانکی از آلمان هستم.

Here is my account number.

این شماره حسابم است.

Has the money arrived?

پول رسیده است؟

I want to change money.

من می خواهم این پول را به ارز دیگری تبدیل نمایم.

I need US-Dollars.

من به دلار آمریکا نیاز دارم.

Could you please give me small notes / bills (am.)?

لطفاً اسکناس های ریز به من بدهید.

Is there a cashpoint / an ATM (am.)?

آیا اینجا دستگاه عابر بانک وجود دارد؟

How much money can one withdraw?

چه مقدار پول می توان برداشت نمود؟

Which credit cards can one use?

کدام کارت های اعتباری را می توان استفاده کرد؟



61 [sixty-one]

۶۱ [شصت و یک]

Ordinal numbers

اعداد ترتیبی

The first month is January.

اولین ماه ژانویه است.

The second month is February.

دومین ماه فوریه است.

The third month is March.

سومین ماه مارس است.

The fourth month is April.

چهارمین ماه آوریل است.

The fifth month is May.

پنجمین ماه مه است.

The sixth month is June.

ششمین ماه ژوئن است.

Six months make half a year.

شش ماه، یک نیمسال محسوب می شوند.

January, February, March,

ژانویه، فوریه، مارس،

April, May and June.

آوریل، مه، ژوئن.

The seventh month is July.

ماه هفتم ژوئیه است.

The eighth month is August.

ماه هشتم اوت (آگوست) است.

The ninth month is September.

ماه نهم سپتامبر است.

The tenth month is October.

ماه دهم اکتبر است.

The eleventh month is November.

ماه یازدهم نوامبر است.

The twelfth month is December.

ماه دوازدهم دسامبر است.

Twelve months make a year.

دوازده ماه، یک سال را تشکیل می دهند.

July, August, September,

ژوئیه، آگوست، سپتامبر،

October, November and December.

اکتبر، نوامبر، دسامبر.



62 [sixty-two]

۶۲ [شصت و دو]

Asking questions 1

سؤال کردن ۱

to learn

یادگیری

Do the students learn a lot?

دانش آموزان زیاد درس می خوانند؟

No, they learn a little.

نه، آنها زیاد درس نمی خوانند.

to ask

سؤال کردن

Do you often ask the teacher questions?

شما از معلم زیاد سؤال می کنید؟

No, I don't ask him questions often.

نه، من از او (مرد) زیاد سؤال نمی کنم.

to reply

جواب دادن

Please reply.

لطفاً جواب دهید.

I reply.

من جواب می دهم.

to work

کار کردن

Is he working right now?

او (مرد) الآن کار می کند؟

Yes, he is working right now.

بله، او (مرد) الآن کار می کند.

to come

آمدن

Are you coming?

شما می آید؟

Yes, we are coming soon.

بله، ما الآن می آییم.

to live

زندگی (اقامت) کردن

Do you live in Berlin?

شما در برلین زندگی میکنید.

Yes, I live in Berlin.

بله من در برلین زندگی می کنم.



63 [sixty-three]

۶۳ [شصت و سه]

Asking questions 2

سؤال کردن ۲

I have a hobby.

من یک سرگرمی دارم.

I play tennis.

من تنیس بازی می کنم.

Where is the tennis court?

زمین تنیس کجاست؟

Do you have a hobby?

آیا تو یک سرگرمی داری؟

I play football / soccer (am.).

من فوتبال بازی می کنم.

Where is the football / soccer (am.) field?

زمین فوتبال کجاست؟

My arm hurts.

دستم درد می کند.

My foot and hand also hurt.

دست و پایم هم درد می کنند.

Is there a doctor?

یک دکتر کجاست؟

I have a car / an automobile.

من یک خودرو دارم.

I also have a motorcycle.

من یک موتورسیکلت هم دارم.

Where could I park?

پارکینگ کجاست؟

I have a sweater.

من یک پلیور دارم.

I also have a jacket and a pair of jeans.

من یک کاپشن و یک شلوار جین نیز دارم.

Where is the washing machine?

ماشین لباس شویی کجاست؟

I have a plate.

من یک بشقاب دارم.

I have a knife, a fork and a spoon.

من یک کارده، یک چنگال و یک قاشق دارم.

Where is the salt and pepper?

نمک و فلفل کجاست؟





64 [sixty-four]

۶۴ [شصت و چهار]

Negation 1

نفی ۱

I don't understand the word.

من کلمه را نمی فهمم.

I don't understand the sentence.

من جمله را نمی فهمم.

I don't understand the meaning.

من معنی آن را نمی فهمم.

the teacher

معلم

Do you understand the teacher?

گفته ی معلم را می فهمید؟

Yes, I understand him well.

بله، من گفته های او (مرد) را خوب می فهمم.

the teacher

خانم معلم

Do you understand the teacher?

گفته های خانم معلم را می فهمید؟

Yes, I understand her well.

بله، گفته های او (زن) را می فهمم.

the people

مردم

Do you understand the people?

حرفهای مردم را می فهمید؟

No, I don't understand them so well.

نه، حرفهای آنها را آنچنان خوب نمی فهمم.

the friend

دوست

Do you have a friend?

دوست دارید؟

Yes, I do.

بله، دارم.

the daughter

دختر

Do you have a daughter?

شما دختر دارید؟

No, I don't.

نه، ندارم.



65 [sixty-five]

۶۵ [شصت و پنج]

Negation 2

نفی ۲

**Is the ring expensive?**

این حلقه گران است؟

**No, it costs only one hundred Euros.**

نه، قیمت این حلقه تنها صد یورو است.

**But I have only fifty.**

اما من فقط پنجاه یورو دارم.

**Are you finished?**

تو کارت تمام شد؟

**No, not yet.**

نه، هنوز نه.

**But I'll be finished soon.**

اما چند لحظه ی دیگر تمام می شود.

**Do you want some more soup?**

باز هم سوپ می خوای؟

**No, I don't want anymore.**

نه، دیگر نمی خواهم.

**But another ice cream.**

اما یک بستنی می خواهم.

**Have you lived here long?**

خیلی وقت هست اینجا زندگی می کنی؟

**No, only for a month.**

نه، تازه یک ماه است.

**But I already know a lot of people.**

اما با خیلی از مردم آشنا شدم.

**Are you driving home tomorrow?**

فردا می روی (با ماشین) خانه؟

**No, only on the weekend.**

نه، آخر هفته می روم.

**But I will be back on Sunday.**

اما من یکشنبه بر می گردم.

**Is your daughter an adult?**

دختر تو بزرگ شده است؟

**No, she is only seventeen.**

نه، او تازه هفده سالش است.

**But she already has a friend.**

اما او یک دوست دارد.



66 [sixty-six]

۶۶ [شصت و شش]

Possessive pronouns 1

ضمائر ملکی ۱

I – my

من – مال من

I can't find my key.

من کلیدم را پیدا نمی کنم.

I can't find my ticket.

من بلیط اتوبوسم را پیدا نمی کنم.

you – your

تو – مال تو

Have you found your key?

کلیدت را پیدا کردی؟

Have you found your ticket?

بلیط اتوبوست را پیدا کردی؟

he – his

او (مذکر) – مال او

Do you know where his key is?

می دانی کلید او کجاست؟

Do you know where his ticket is?

می دانی بلیط اتوبوسش کجاست؟

she – her

او (مؤنث) – مال او

Her money is gone.

پولش گم شده است.

And her credit card is also gone.

کارت اعتباریش هم گم شده است.

we – our

ما – مال ما

Our grandfather is ill.

پدربزرگمان مریض است.

Our grandmother is healthy.

مادربزرگمان سالم است.

you – your

شما (جمع) – مال شما

Children, where is your father?

بچه ها، پدرتان کجاست؟

Children, where is your mother?

بچه ها، مادرتان کجاست؟



67 [sixty-seven]

۶۷ [شصت و هفت]

Possessive pronouns 2

ضمائر ملکی ۲

the glasses

عینک

He has forgotten his glasses.

او (مذکر) عینکش را فراموش کرده.

Where has he left his □glasses?

عینکش کجاست؟

the clock

ساعت

His clock isn't working.

ساعت او (مذکر) خراب است.

The clock hangs on the wall.

ساعت به دیوار آویزان است.

the passport

پاسپورت

He has lost his passport.

او (مذکر) پاسپورتش را گم کرده.

Where is his passport then?

پاسپورتش کجاست؟

they – their

آنها-مال آنها

The children cannot find their parents.

بچه ها نمی توانند والدین خود را پیدا کنند.

Here come their parents!

آنجا هستند، دارند می آیند!

you – your

شما (مخاطب مذکر) – مال شما

How was your trip, Mr. Miller?

آقای مولر، مسافرتتان چگونه بود؟

Where is your wife, Mr. Miller?

آقای مولر، همسرتان کجا هستند؟

you – your

شما (مخاطب مؤنث) – مال شما

How was your trip, Mrs. Smith?

خانم اشمیت، مسافرتتان چگونه بود؟

Where is your husband, Mrs. Smith?

خانم اشمیت، شوهرتان کجا هستند؟



68 [sixty-eight]

۶۸ [شصت و هشت]

big – small

بزرگ – کوچک

big and small

بزرگ و کوچک

The elephant is big.

فیل بزرگ است.

The mouse is small.

موش کوچک است.

dark and bright

تاریک و روشن

The night is dark.

شب تاریک است.

The day is bright.

روز روشن است.

old and young

پیر و جوان

Our grandfather is very old.

پدربزرگمان خیلی پیر است.

70 years ago he was still young.

او ۷۰ سال پیش هنوز جوان بود.

beautiful and ugly

زیبا و زشت

The butterfly is beautiful.

پروانه زیباست.

The spider is ugly.

عنکبوت زشت است.

fat and thin

چاق و لاغر

A woman who weighs a hundred kilos is fat.

یک زن با ۱۰۰ کیلو چاق است.

A man who weighs fifty kilos is thin.

یک مرد با ۵۰ کیلو لاغر است.

expensive and cheap

گران و ارزان

The car is expensive.

اتوموبیل گران است.

The newspaper is cheap.

روزنامه ارزان است.



69 [sixty-nine]

۶۹ [شصت و نه]

to need – to want to

لازم داشتن – خواستن

I need a bed.

من به یک تخت خواب احتیاج دارم.

I want to sleep.

من می‌خواهم بخوابم.

Is there a bed here?

اینجا تخت خواب وجود دارد؟

I need a lamp.

من یک لامپ احتیاج دارم.

I want to read.

من می‌خواهم بخوانم (مطالعه کنم).

Is there a lamp here?

اینجا لامپ وجود دارد؟

I need a telephone.

من یک تلفن لازم دارم.

I want to make a call.

من می‌خواهم تلفن کنم.

Is there a telephone here?

اینجا تلفن وجود دارد؟

I need a camera.

من یک دوربین لازم دارم.

I want to take photographs.

من می‌خواهم عکاسی کنم.

Is there a camera here?

اینجا دوربین وجود دارد؟

I need a computer.

من یک کامپیوتر لازم دارم.

I want to send an email.

من می‌خواهم یک ایمیل (پست الکترونیک) بفرستم.

Is there a computer here?

اینجا یک کامپیوتر وجود دارد؟

I need a pen.

من یک خودکار لازم دارم.

I want to write something.

می‌خواهم چیزی بنویسم.

Is there a sheet of paper and a pen here?

اینجا یک برگ کاغذ و یک خودکار وجود دارد؟



70 [seventy]

۷۰ [هفتاد]

to like something

چیزی خواستن

Would you like to smoke?

می خواهید سیگار بکشید؟

Would you like to listen to music?

می خواهید موسیقی گوش کنید؟

Would you like to go for a walk?

می خواهید پیاده روی کنید؟

I would like to smoke.

من می خواهم سیگار بکشم.

Would you like a cigarette?

یک نخ سیگار می خواهی؟

He wants a light.

او آتش (فندک) می خواهد.

I want to drink something.

من می خواهم چیزی بنوشم.

I want to eat something.

من می خواهم چیزی بخورم.

I want to relax a little.

من می خواهم کمی استراحت کنم.

I want to ask you something.

من می خواهم از شما سؤال کنم.

I want to ask you for something.

من می خواهم از شما تقاضای چیزی کنم.

I want to treat you to something.

من می خواهم شما را به چیزی دعوت کنم.

What would you like?

شما چه می خواهید (چه میل دارید)؟

Would you like a coffee?

یک قهوه می خواهید؟

Or do you prefer a tea?

یا این که ترجیحاً یک چای می خواهید؟

We want to drive home.

ما می خواهیم با ماشین به خانه برویم.

Do you want a taxi?

شما تاکسی می خواهید؟

They want to make a call.

آنها می خواهند تلفن کنند.



71 [seventy-one]

۷۱ [هفتاد و یک]

To want something

چیزی خواستن

What do you want to do?

شما چه می خواهید؟

Do you want to play football / soccer (am.)?

می خواهید فوتبال بازی کنید؟

Do you want to visit friends?

می خواهید به ملاقات دوستان بروید؟

to want

خواستن

I don't want to arrive late.

من نمی خواهم دیر بیایم.

I don't want to go there.

من نمی خواهم آنجا بروم.

I want to go home.

من می خواهم به خانه بروم.

I want to stay at home.

من می خواهم در خانه بمانم.

I want to be alone.

من می خواهم تنها باشم.

Do you want to stay here?

تو می خواهی اینجا بمانی؟

Do you want to eat here?

تو می خواهی اینجا غذا بخوری؟

Do you want to sleep here?

تو می خواهی اینجا بخوابی؟

Do you want to leave tomorrow?

می خواهید فردا راه بیفتید (با ماشین)؟

Do you want to stay till tomorrow?

می خواهید تا فردا بمانید؟

Do you want to pay the bill only tomorrow?

می خواهید صورت حساب را فردا پرداخت نمائید؟

Do you want to go to the disco?

می خواهید به دیسکو بروید؟

Do you want to go to the cinema?

می خواهید به سینما بروید؟

Do you want to go to a café?

می خواهید به کافه بروید؟





72 [seventy-two]

۷۲ [هفتاد و دو]

To have to do something / must

چیزی که باید انجام گیرد

must

بایستن

I must post the letter.

من باید نامه را بفرستم.

I must pay the hotel.

من باید پول هتل را پرداخت نمایم.

You must get up early.

تو باید صبح زود از خواب بلند شوی.

You must work a lot.

تو باید خیلی کار کنی.

You must be punctual.

تو باید وقت شناس باشی.

He must fuel / get petrol / get gas (am.).

او باید بنزین بزند (در باک بنزین بریزد).

He must repair the car.

او باید ماشین را تعمیر کند.

He must wash the car.

او باید ماشین را بشوید.

She must shop.

او (مونت) باید خرید کند.

She must clean the apartment.

او (مونت) باید خانه را تمیز کند.

She must wash the clothes.

او باید لباسها را بشوید.

We must go to school at once.

ما باید چند لحظه ی دیگر به مدرسه برویم.

We must go to work at once.

ما باید چند لحظه ی دیگر سر کار برویم.

We must go to the doctor at once.

ما باید چند لحظه ی دیگر پیش دکتر برویم.

You must wait for the bus.

شما باید منتظر اتوبوس باشید.

You must wait for the train.

شما باید منتظر قطار باشید.

You must wait for the taxi.

شما باید منتظر تاکسی باشید.



73 [seventy-three]

۷۳ [هفتاد و سه]

To be allowed to

اجازه داشتن برای انجام کاری

Are you already allowed to drive?

تو اجازه داری رانندگی کنی؟

Are you already allowed to smoke?

تو اجازه داری سیگار بکشی؟

Are you already allowed to travel abroad alone?

تو اجازه داری تنها به خارج سفر کنی؟

may / to be allowed

اجازه داشتن

May we smoke here?

اجازه هست اینجا سیگار بکشیم؟

Is smoking allowed here?

اینجا سیگار کشیدن مجاز است؟

May one pay by credit card?

می توان با کارت اعتباری پرداخت نمود؟

May one pay by cheque / check (am.)?

می توان با چک پرداخت کرد؟

May one only pay in cash?

فقط نقد پرداختن مجاز است؟

May I just make a call?

می توانم لحظه ای تلفن بزنم؟

May I just ask something?

می توانم لحظه ای یک سوال کنم؟

May I just say something?

می توانم لحظه ای چیزی بگویم؟

He is not allowed to sleep in the park.

او (مذکر) اجازه ندارد در پارک بخوابد.

He is not allowed to sleep in the car.

او (مذکر) اجازه ندارد در خودرو بخوابد.

He is not allowed to sleep at the train station.

او (مذکر) اجازه ندارد در ایستگاه قطار بخوابد.

May we take a seat?

اجازه داریم بنشینیم؟

May we have the menu?

اجازه داریم لیست غذا را داشته باشیم؟

May we pay separately?

اجازه داریم جدا پرداخت نمائیم؟



74 [seventy-four]

۷۴ [هفتاد و چهار]

Asking for something

خواهش کردن در مورد چیزی

Can you cut my hair?

امکان دارد موهای مرا کوتاه کنید؟

Not too short, please.

لطفاً خیلی کوتاه نشود.

A bit shorter, please.

لطفاً کمی کوتاهتر.

Can you develop the pictures?

ممکن است این عکسها را ظاهر کنید؟

The pictures are on the CD.

عکسها روی سی دی هستند.

The pictures are in the camera.

عکس ها روی دوربین هستند.

Can you fix the clock?

می توانید این ساعت را تعمیر کنید؟

The glass is broken.

شیشه شکسته است.

The battery is dead / empty.

باتری خالی است.

Can you iron the shirt?

ممکن است این پیراهن را اتو کنید؟

Can you clean the pants / trousers?

ممکن است این شلوار را تمیز کنید؟

Can you fix the shoes?

ممکن است این کفش را تعمیر کنید؟

Do you have a light?

ممکن است به من یک فندک (آتش) بدهید؟

Do you have a match or a lighter?

شما کبریت یا فندک دارید؟

Do you have an ashtray?

شما زیرسیگاری دارید؟

Do you smoke cigars?

شما سیگار برگ می کشید؟

Do you smoke cigarettes?

شما سیگار می کشید؟

Do you smoke a pipe?

شما پیپ می کشید؟



75 [seventy-five]

۷۵ [هفتاد و پنج]

Giving reasons 1

دلیل آوردن برای چیزی ۱

Why aren't you coming?

چرا شما نمی آید؟

The weather is so bad.

هوا بسیار بد است.

I am not coming because the weather is so bad.

من نمی آیم زیرا هوا بسیار بد است.

Why isn't he coming?

چرا او (مذکر) نمی آید؟

He isn't invited.

او (مذکر) دعوت نشده است.

He isn't coming because he isn't invited.

او نمی آید زیرا دعوت نشده است.

Why aren't you coming?

چرا تو نمی آیی؟

I have no time.

من وقت ندارم.

I am not coming because I have no time.

من نمی آیم زیرا وقت ندارم.

Why don't you stay?

چرا تو نمی مانی؟

I still have to work.

من هنوز کار دارم.

I am not staying because I still have to work.

من نمی مانم، چون هنوز کار دارم.

Why are you going already?

چرا حالا می روید؟

I am tired.

من خسته هستم.

I'm going because I'm tired.

من می روم زیرا خسته هستم.

Why are you going already?

چرا حالا (با ماشین) می روید؟

It is already late.

دیر است.

I'm going because it is already late.

من می روم زیرا دیر است.



76 [seventy-six]

۷۶ [هفتاد و شش]

Giving reasons 2

دلیل آوردن برای چیزی ۲

Why didn't you come?

چرا تو نیامدی؟

I was ill.

من مریض بودم.

I didn't come because I was ill.

من نیامدم زیرا مریض بودم.

Why didn't she come?

چرا او (مؤنث) نیامده؟

She was tired.

او (مؤنث) خسته بود.

She didn't come because she was tired.

او (مؤنث) نیامد، چون خسته بود.

Why didn't he come?

چرا او (مذکر) نیامده؟

He wasn't interested.

او (مرد) حوصله نداشت.

He didn't come because he wasn't interested.

او (مرد) نیامد زیرا حوصله نداشت.

Why didn't you come?

چرا شما نیامدید؟

Our car is damaged.

خودروی ما خراب است.

We didn't come because our car is damaged.

ما نیامدیم چون خودرویمان خراب است.

Why didn't the people come?

چرا مردم نیامدند؟

They missed the train.

آنها به قطار نرسیدند.

They didn't come because they missed the train.

آنها نیامدند، زیرا به قطار نرسیدند.

Why didn't you come?

چرا تو نیامدی؟

I was not allowed to.

اجازه نداشتم.

I didn't come because I was not allowed to.

من نیامدم زیرا اجازه نداشتم.



77 [seventy-seven]

۷۷ [هفتاد و هفت]

Giving reasons 3

دلیل آوردن برای چیزی ۳

Why aren't you eating the cake?

چرا کیک را نمی خورید؟

I must lose weight.

من باید وزن کم کنم.

I'm not eating it because I must lose weight.

من نمی خورم زیرا باید وزن کم کنم.

Why aren't you drinking the mineral water?

چرا آب معدنی را نمی نوشید؟

I have to drive.

چون باید رانندگی کنم.

I'm not drinking it because I have to drive.

من آن را نمی نوشم زیرا باید رانندگی کنم.

Why aren't you drinking the coffee?

چرا تو قهوه را نمی نوشی؟

It is cold.

سرد شده است.

I'm not drinking it because it is cold.

من قهوه را نمی نوشم زیرا سرد شده است.

Why aren't you drinking the tea?

چرا تو چای را نمی نوشی؟

I have no sugar.

من شکر ندارم.

I'm not drinking it because I don't have any sugar.

من چای را نمی نوشم زیرا شکر ندارم.

Why aren't you eating the soup?

چرا شما سوپ را نمی خورید؟

I didn't order it.

من سوپ سفارش نداده ام.

I'm not eating it because I didn't order it.

من سوپ نمی خورم زیرا من آن را سفارش نداده ام.

Why don't you eat the meat?

چرا شما گوشت را نمی خورید؟

I am a vegetarian.

من گیاه خوار هستم.

I'm not eating it because I am a vegetarian.

من گوشت نمی خورم زیرا گیاه خوار هستم.



78 [seventy-eight]

۷۸ [هفتاد و هشت]

Adjectives 1

صفت ها ۱

an old lady

یک خانم پیر

a fat lady

یک خانم چاق

a curious lady

یک خانم کنجکاو (فضول)

a new car

یک خودروی نو

a fast car

یک خودروی سریع

a comfortable car

یک خودروی راحت

a blue dress

یک لباس آبی

a red dress

یک لباس قرمز

a green dress

یک لباس سبز

a black bag

یک کیف سیاه

a brown bag

یک کیف قهوه ای

a white bag

یک کیف سفید

nice people

مردم مهربان

polite people

مردم با ادب

interesting people

مردم جالب

loving children

بچه های نازنین

cheeky children

بچه های بی ادب

well behaved children

بچه های خوب و مؤدب



79 [seventy-nine]

۷۹ [هفتاد و نه]

Adjectives 2

صفت ها ۲

I am wearing a blue dress.

من یک لباس آبی به تن دارم.

I am wearing a red dress.

من یک لباس قرمز به تن دارم.

I am wearing a green dress.

من یک لباس سبز به تن دارم.

I'm buying a black bag.

من یک کیف سیاه می خرم.

I'm buying a brown bag.

من یک کیف قهوه ای می خرم.

I'm buying a white bag.

من یک کیف سفید می خرم.

I need a new car.

من یک خودروی جدید لازم دارم.

I need a fast car.

من یک خودروی سریع لازم دارم.

I need a comfortable car.

من یک خودروی راحت لازم دارم.

An old lady lives at the top.

آن بالا یک خانم پیر زندگی می کند.

A fat lady lives at the top.

آن بالا یک خانم چاق زندگی می کند.

A curious lady lives below.

آن پایین یک خانم کنجکاو زندگی می کند.

Our guests were nice people.

میهمانانمان آدم های مهربانی بودند.

Our guests were polite people.

میهمانانمان آدم های مودبی بودند.

Our guests were interesting people.

میهمانانمان آدم های جالبی بودند.

I have lovely children.

من بچه های نازنینی دارم.

But the neighbours have naughty children.

اما همسایه ها بچه های بی ادبی دارند.

Are your children well behaved?

بچه های شما با ادب هستند؟





80 [eighty]

۸۰ [هشتاد]

Adjectives 3

صفت ها ۳

**She has a dog.**

او (مؤنث) یک سگ دارد.

**The dog is big.**

سگ بزرگ است.

**She has a big dog.**

او (مؤنث) یک سگ بزرگ دارد.

**She has a house.**

او یک خانه دارد.

**The house is small.**

خانه کوچک است.

**She has a small house.**

او (مؤنث) یک خانه ی کوچک دارد.

**He is staying in a hotel.**

او (مذکر) در یک هتل زندگی می کند.

**The hotel is cheap.**

هتل ارزان است.

**He is staying in a cheap hotel.**

او در یک هتل ارزان زندگی می کند.

**He has a car.**

او یک خودرو دارد.

**The car is expensive.**

خودرو گران است.

**He has an expensive car.**

او یک خودروی گران دارد.

**He reads a novel.**

او (مرد) یک رمان می خواند.

**The novel is boring.**

رمان خسته کننده است.

**He is reading a boring novel.**

او (مرد) یک رمان خسته کننده می خواند.

**She is watching a movie.**

او (مؤنث) یک فیلم تماشا می کند.

**The movie is exciting.**

فیلم مهیج است.

**She is watching an exciting movie.**

او (مؤنث) یک فیلم مهیج تماشا می کند.



81 [eighty-one]

۸۱ [هشتاد و یک]

Past tense 1

زمان گذشته ۱

to write

نوشتن

He wrote a letter.

او (مرد) یک نامه نوشت.

And she wrote a card.

و او (مؤنث) یک کارت پستال نوشت.

to read

خواندن

He read a magazine.

او (مرد) یک مجله خواند.

And she read a book.

و او (مؤنث) یک کتاب خواند.

to take

گرفتن

He took a cigarette.

او (مرد) یک سیگار برداشت.

She took a piece of chocolate.

او (مؤنث) یک تکه شکلات برداشت.

He was disloyal, but she was loyal.

او (مرد) بی وفا بود، اما او (مؤنث) با وفا بود.

He was lazy, but she was hard-working.

او (مرد) تنبل بود، اما او (مؤنث) کاری بود.

He was poor, but she was rich.

او (مرد) فقیر بود، اما او (مؤنث) ثروتمند بود.

He had no money, only debts.

او (مرد) پول نداشت، بلکه بدهکار بود.

He had no luck, only bad luck.

او (مرد) شانس نداشت، بلکه بد شانس بود.

He had no success, only failure.

او (مرد) موفقیتی نداشت، بلکه ناموفق بود.

He was not satisfied, but dissatisfied.

او (مرد) راضی نبود، بلکه ناراضی بود.

He was not happy, but sad.

او (مرد) خوشبخت نبود، بلکه بدبخت بود.

He was not friendly, but unfriendly.

او (مرد) خوش برخورد نبود، بلکه بدبرخورد بود.



82 [eighty-two]

۸۲ [هشتاد و دو]

Past tense 2

زمان گذشته ۲

Did you have to call an ambulance?

تو مجبور بودی یک آمبولانس صدا کنی؟

Did you have to call the doctor?

تو مجبور بودی پزشک را خبر کنی؟

Did you have to call the police?

تو مجبور بودی پلیس را خبر کنی؟

Do you have the telephone number? I had it just now.

شما شماره تلفن را دارید؟ تا الان من شماره را داشتم.

Do you have the address? I had it just now.

شما آدرس را دارید؟ تا الان من آن را داشتم.

Do you have the city map? I had it just now.

شما نقشه شهر را دارید؟ تا الان من آن را داشتم.

Did he come on time? He could not come on time.

او (مرد) سر وقت آمد؟ او (مرد) نتوانست سر وقت بیاید.

Did he find the way? He could not find the way.

او (مرد) راه را پیدا کرد؟ او (مرد) نتوانست راه را پیدا کند.

Did he understand you? He could not understand me.

او (مرد) متوجه صحبت تو شد؟ او (مرد) نتوانست صحبت مرا بفهمد.

Why could you not come on time?

چرا تو نتوانستی به موقع بیایی؟

Why could you not find the way?

چرا تو نتوانستی راه را پیدا کنی؟

Why could you not understand him?

چرا تو نتوانستی صحبت هایش را بفهمی؟

I could not come on time because there were no buses.

من نتوانستم بموقع بیایم زیرا هیچ اتوبوسی حرکت نمی کرد.

I could not find the way because I had no city map.

من نتوانستم راه را پیدا کنم زیرا نقشه شهر را نداشتم.

I could not understand him because the music was so loud.

من حرفش را نفهمیدم زیرا صدای آهنگ بلند بود.

I had to take a taxi.

من مجبور بودم یک تاکسی سوار شوم.

I had to buy a city map.

من مجبور بودم یک نقشه شهر بخرم.

I had to switch off the radio.

من مجبور بودم رادیو را خاموش کنم.



83 [eighty-three]

۸۳ [هشتاد و سه]

Past tense 3

زمان گذشته ۳

to make a call

تلفن زدن

I made a call.

من تلفن زده ام.

I was talking on the phone all the time.

من تمام مدت با تلفن صحبت می کرده ام.

to ask

سؤال کردن

I asked.

من سؤال کرده ام.

I always asked.

من همیشه سوال می کرده ام.

to narrate

تعریف کردن

I narrated.

من تعریف کرده ام.

I narrated the whole story.

من تمام داستان را تعریف کرده ام.

to study

یاد گرفتن

I studied.

من یاد گرفته ام.

I studied the whole evening.

من تمام شب مشغول یادگیری بوده ام.

to work

کار کردن

I worked.

من کار کرده ام.

I worked all day long.

من تمام روز را کار کرده ام.

to eat

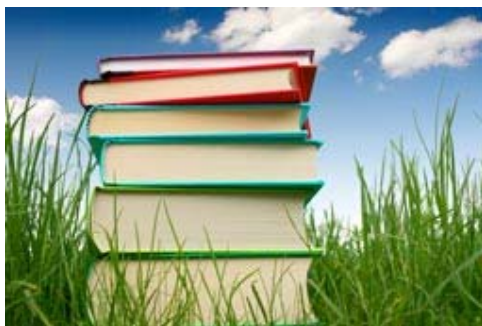
غذا خوردن

I ate.

من غذا خورده ام.

I ate all the food.

من تمام غذا را خورده ام.



84 [eighty-four]

۸۴ [هشتاد و چهار]

Past tense 4

زمان گذشته ۴

to read

خواندن

I read.

من خوانده ام.

I read the whole novel.

من تمام رمان را خوانده ام.

to understand

فهمیدن

I understood.

من فهمیده ام.

I understood the whole text.

من تمام متن را فهمیده ام.

to answer

پاسخ دادن

I answered.

من پاسخ داده ام.

I answered all the questions.

من به تمامی سوالات پاسخ داده ام.

I know that – I knew that.

من آن را می دانم – من آن را می دانستم.

I write that – I wrote that.

من آن را می نویسم – من آن را نوشتم.

I hear that – I heard that.

من آن را می شنوم – من آن را شنیده ام.

I'll get it – I got it.

من آن را می آورم – من آن را آورده ام.

I'll bring that – I brought that.

من آن را می آورم – من آن را آورده ام.

I'll buy that – I bought that.

من آن را می خرم – من آن را خریده ام.

I expect that – I expected that.

من منتظر آن هستم – من منتظر آن بوده ام.

I'll explain that – I explained that.

من آن را توضیح می دهم – من آن را توضیح داده ام.

I know that – I knew that.

من آن را می شناسم – من آن را می شناختم.



85 [eighty-five]

۸۵ [هشتاد و پنج]

Questions – Past tense 1

سؤال کردن – زمان گذشته ۱

How much did you drink?

شما چقدر نوشیده اید؟

How much did you work?

شما چقدر کار کرده اید؟

How much did you write?

شما چقدر نوشته اید؟

How did you sleep?

شما چطور خوابیدید؟

How did you pass the exam?

شما چگونه در امتحان قبول شده اید؟

How did you find the way?

شما چگونه راه را پیدا کرده اید؟

Who did you speak to?

شما با چه کسی صحبت کرده اید؟

With whom did you make an appointment?

شما با چه کسی قرار ملاقات گذاشته اید؟

With whom did you celebrate your birthday?

شما با کی جشن تولد گرفته اید؟

Where were you?

شما کجا بوده اید؟

Where did you live?

شما کجا زندگی می کردید؟

Where did you work?

شما کجا کار می کردید؟

What did you suggest?

شما چه توصیه ای کرده اید؟

What did you eat?

شما چی خورده اید؟

What did you come to know?

شما چه اطلاعاتی کسب کرده اید؟

How fast did you drive?

شما با چه سرعتی رانندگی می کردید؟

How long did you fly?

شما چه مدت پرواز کرده اید؟

How high did you jump?

شما تا چه ارتفاعی پریده اید؟



86 [eighty-six]

۸۶ [هشتاد و شش]

Questions – Past tense 2

سوال کردن - زمان گذشته ۲

Which tie did you wear?

تو کدام کراوات را زده بودی؟

Which car did you buy?

تو کدام خودرو را خریده بودی؟

Which newspaper did you subscribe to?

تو اشتراک کدام روزنامه را گرفته بودی؟

Who did you see?

شما چه کسی را دیده اید؟

Who did you meet?

شما با چه کسی ملاقات کرده اید؟

Who did you recognize?

شما چه کسی را شناخته اید؟

When did you get up?

شما چه موقع از خواب بلند شده اید؟

When did you start?

شما چه موقع شروع کرده اید؟

When did you finish?

شما چه موقع کار را متوقف کرده اید؟

Why did you wake up?

شما چرا بیدار شده اید؟

Why did you become a teacher?

چرا شما معلم شده اید؟

Why did you take a taxi?

چرا شما سوار تاکسی شده اید؟

Where did you come from?

شما از کجا آمده اید؟

Where did you go?

شما به کجا رفته اید؟

Where were you?

شما کجا بوده اید؟

Who did you help?

تو به چه کسی کمک کرده ای؟

Who did you write to?

تو به چه کسی نامه نوشته ای؟

Who did you reply to?

تو به چه کسی جواب داده ای؟



87 [eighty-seven]

۸۷ [هشتاد و هفت]

Past tense of modal verbs 1

زمان گذشته ی افعال معین ۱

We had to water the flowers.

ما باید به گلها آب می دادیم.

We had to clean the apartment.

ما باید آپارتمان را مرتب می کردیم.

We had to wash the dishes.

ما باید ظروف غذا را می شستیم.

Did you have to pay the bill?

آیا شما مجبور به پرداخت صورت حساب بودید؟

Did you have to pay an entrance fee?

آیا شما مجبور به پرداخت ورودی بودید؟

Did you have to pay a fine?

آیا شما مجبور به پرداخت جریمه بودید؟

Who had to say goodbye?

چه کسی باید خداحافظی می کرد؟

Who had to go home early?

چه کسی باید زود به خانه می رفت؟

Who had to take the train?

چه کسی باید با قطار می رفت؟

We did not want to stay long.

ما نمی خواستیم مدت زیادی بمانیم.

We did not want to drink anything.

ما نمی خواستیم چیزی بنوشیم.

We did not want to disturb you.

ما نمی خواستیم مزاحم بشویم.

I just wanted to make a call.

من می خواستم الان تلفن کنم.

I just wanted to call a taxi.

من می خواستم تاکسی سفارش بدهم.

Actually I wanted to drive home.

چون می خواستم به خانه بروم.

I thought you wanted to call your wife.

من فکر کردم تو می خواستی به همسرت تلفن کنی.

I thought you wanted to call information.

من فکر کردم تو می خواستی به اطلاعات تلفن کنی.

I thought you wanted to order a pizza.

من فکر کردم تو می خواستی یک پیتزا سفارش دهی.





88 [eighty-eight]

۸۸ [هشتاد و هشت]

Past tense of modal verbs 2

زمان گذشته ی افعال معین ۲

**My son did not want to play with the doll.**

پسرم نمی خواست با عروسک بازی کند.

**My daughter did not want to play football / soccer (am.).**

دخترم نمی خواست فوتبال بازی کند.

**My wife did not want to play chess with me.**

همسرم نمی خواست با من شطرنج بازی کند.

**My children did not want to go for a walk.**

فرزندانم نمی خواستند به پیاده روی بروند.

**They did not want to tidy the room.**

آنها نمی خواستند اتاق را مرتب کنند.

**They did not want to go to bed.**

آنها نمی خواستند به رختخواب بروند.

**He was not allowed to eat ice cream.**

او (مذکر) اجازه نداشت بستنی بخورد.

**He was not allowed to eat chocolate.**

او (مرد) اجازه نداشت شکلات بخورد.

**He was not allowed to eat sweets.**

او (مرد) اجازه نداشت آب نبات بخورد.

**I was allowed to make a wish.**

من اجازه داشتم برای خودم آرزویی بکنم.

**I was allowed to buy myself a dress.**

من اجازه داشتم برای خودم لباس بخرم.

**I was allowed to take a chocolate.**

من اجازه داشتم یک شکلات مغزدار بردارم.

**Were you allowed to smoke in the airplane?**

اجازه داشتی در هواپیما سیگار بکشی؟

**Were you allowed to drink coffee in the coffee?**

اجازه داشتی در کلاس قهوه بنوشی؟

**Were you allowed to take the dog into the hotel?**

اجازه داشتی سگ را با خودت به هتل ببری؟

**During the holidays the children were allowed to remain outside late.**

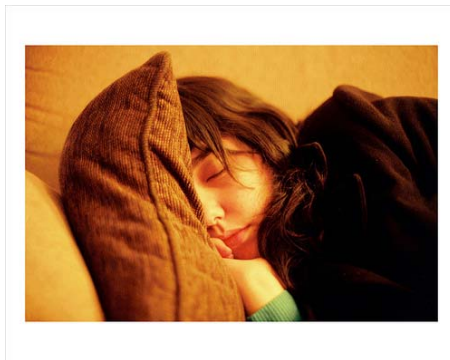
بچه ها در تعطیلات اجازه داشتند مدت زیادی بیرون باشند.

**They were allowed to play in the yard for a long time.**

آنها اجازه داشتند مدت زیادی در حیاط بازی کنند.

**They were allowed to stay up late.**

آنها اجازه داشتند مدت زیادی (تا دیروقت) بیدار باشند.



89 [eighty-nine]

۸۹ [هشتاد و نه]

Imperative 1

امری ۱

You are so lazy – don't be so lazy!

تو خیلی تنبلی – اینقدر تنبل نباش!

You sleep for so long – don't sleep so late!

تو خیلی می خوابی – اینقدر نخواب!

You come home so late – don't come home so late!

تو دیر می آیی – اینقدر دیر نیا!

You laugh so loudly – don't laugh so loudly!

تو با صدای بلند می خندی – اینقدر بلند نخند!

You speak so softly – don't speak so softly!

تو آهسته حرف میزنی – اینقدر آهسته حرف نزن!

You drink too much – don't drink so much!

تو خیلی (مشروب) می نوشی – اینقدر ننوش!

You smoke too much – don't smoke so much!

تو خیلی سیگار می کشی – اینقدر سیگار نکش!

You work too much – don't work so much!

تو خیلی کار می کنی – اینقدر کار نکن!

You drive too fast – don't drive so fast!

تو خیلی سریع رانندگی می کنی – اینقدر سریع نرو!

Get up, Mr. Miller!

آقای مولر، بلند شوید!

Sit down, Mr. Miller!

آقای مولر، بنشینید!

Remain seated, Mr. Miller!

آقای مولر، در جای خود بنشینید!

Be patient!

صبر داشته باشید!

Take your time!

آرام باشید (عجله نکنید)!

Wait a moment!

یک لحظه صبر کنید!

Be careful!

مواظب باشید!

Be punctual!

وقت شناس باشید!

Don't be stupid!

احمق نباشید!



90 [ninety]

۹۰ [نود]

Imperative 2

امری ۲

Shave!

صورتت را بتراش (ریشت را بزن)!

Wash yourself!

خودت را بشوی (تمیز کن)!

Comb your hair!

موهایت را شانه بزن!

Call!

تلفن کن! شما تلفن کنید!

Begin!

شروع کن! شما شروع کنید!

Stop!

بس کن! شما بس کنید!

Leave it!

رها کن! شما رها کنید!

Say it!

بگو! شما بگویید!

Buy it!

بخرش! شما بخریدش!

Never be dishonest!

هرگز دروغگو نباش!

Never be naughty!

هرگز گستاخ نباش!

Never be impolite!

هیچ وقت بی ادب نباش!

Always be honest!

همیشه راستگو باش!

Always be nice!

همیشه مهربان باش!

Always be polite!

همیشه مؤدب باش!

Hope you arrive home safely!

به سلامت به خانه برسید!

Take care of yourself!

خوب مواظب خودتان باشید!

Do visit us again soon!

به زودی باز به ملاقات ما بیایید!



91 [ninety-one]

۹۱ [نود و یک]

Subordinate clauses: that 1

جملات وابسته با که ۱

Perhaps the weather will get better tomorrow.

فردا احتمالاً هوا بهتر می شود.

How do you know that?

از کجا این موضوع را می دانید؟

I hope that it gets better.

امیدوارم که هوا بهتر بشود.

He will definitely come.

او (مذکر) یقیناً می آید.

Are you sure?

مطمئن هستی؟

I know that he'll come.

من می دانم که او (مرد) می آید.

He'll definitely call.

او (مرد) مطمئناً تلفن می کند.

Really?

واقعاً؟

I believe that he'll call.

من فکر می کنم که او (مرد) تلفن می کند.

The tea is definitely hot.

این چای یقیناً داغ است.

Do you know that for sure?

این را شما دقیقاً می دانید؟

I think that it is hot.

من احتمال می دهم که چای داغ است.

Our boss is good-looking.

رئیس ما خوش تیپ است.

Do you think so?

نظر شما این است؟

I find him very handsome.

به نظر من که او بسیار خوش تیپ است.

The boss definitely has a friend.

رئیس حتماً یک دوست دارد.

Do you really think so?

واقعاً چنین فکری می کنید؟

It is very possible that he has a friend.

خیلی احتمال دارد که او یک دوست داشته باشد.



92 [ninety-two]

۹۲ [نود و دو]

Subordinate clauses: that 2

جملات وابسته با که ۲

<b>I'm angry that you snore.</b>	باعث آزار من است که تو خروپف می کنی.
<b>I'm angry that you drive so much fast.</b>	باعث آزار من است که تو اینقدر تند رانندگی می کنی.
<b>I'm angry that you come so late.</b>	باعث آزار من است که تو اینقدر دیر می آیی.
<b>I think he needs a doctor.</b>	من فکر می کنم که او به یک پزشک احتیاج دارد.
<b>I think he is ill.</b>	من فکر می کنم که او مریض است.
<b>I think he is sleeping now.</b>	من فکر می کنم که او الان خوابیده است.
<b>We hope that he marries our daughter.</b>	ما امیدواریم که او (مرد) با دختر ما ازدواج کند.
<b>We hope that he has a lot of money.</b>	ما امیدواریم که او (مرد) پول زیادی داشته باشد.
<b>We hope that he is a millionaire.</b>	ما امیدواریم که او (مرد) میلیونر باشد.
<b>I heard that your wife had an accident.</b>	من شنیده ام که همسرت تصادف کرده است.
<b>I heard that she is in the hospital.</b>	من شنیده ام که او در بیمارستان بستری است.
<b>I heard that your car is completely wrecked.</b>	من شنیده ام که خودروی تو بطور کامل خراب شده است.
<b>I'm happy that you came.</b>	خوشحالم که شما آمده اید.
<b>I'm happy that you are interested.</b>	خوشحالم که شما علاقمند هستید.
<b>I'm happy that you want to buy the house.</b>	خوشحالم که شما می خواهید خانه را بخرید.
<b>I'm afraid the last bus has already gone.</b>	من نگران هستم که آخرین اتوبوس رفته باشد.
<b>I'm afraid we will have to take a taxi.</b>	من نگران هستم که مجبور شویم با تاکسی برویم.
<b>I'm afraid I have no more money.</b>	من نگران هستم که پول همراه نداشته باشم.



93 [ninety-three]

۹۳ [نود و سه]

Subordinate clauses: if

جملات وابسته با آیا

I don't know if he loves me.	من نمی دانم آیا او (مذکر) مرا دوست دارد.
I don't know if he'll come back.	من نمی دانم آیا او (مذکر) بر می گردد.
I don't know if he'll call me.	من نمی دانم آیا او (مذکر) به من تلفن می کند.
Maybe he doesn't love me?	آیا او (مذکر) مرا دوست دارد؟
Maybe he won't come back?	آیا او (مذکر) برمی گردد؟
Maybe he won't call me?	آیا او (مذکر) به من زنگ خواهد زد؟
I wonder if he thinks about me.	من از خودم می پرسم آیا او (مذکر) به من فکر می کند.
I wonder if he has someone else.	من از خودم می پرسم آیا او (مذکر) کس دیگری را دارد.
I wonder if he lies.	من از خودم می پرسم آیا او (مذکر) دروغ می گوید.
Maybe he thinks of me?	آیا او (مذکر) به من فکر می کند؟
Maybe he has someone else?	آیا او (مذکر) فرد (مؤنث) دیگری را دارد؟
Maybe he tells me the truth?	آیا او (مذکر) واقعیت را می گوید؟
I doubt whether he really likes me.	من تردید دارم که آیا او (مذکر) مرا واقعاً دوست دارد.
I doubt whether he'll write to me.	من تردید دارم که آیا او (مذکر) برایم نامه بنویسد.
I doubt whether he'll marry me.	من تردید دارم که آیا او (مذکر) با من ازدواج می کند.
Does he really like me?	آیا او (مذکر) واقعاً از من خوشش می آید؟
Will he write to me?	آیا او (مذکر) برایم نامه می نویسد؟
Will he marry me?	آیا او (مذکر) با من ازدواج می کند؟



94 [ninety-four]

۹۴ [نود و چهار]

Conjunctions 1

حروف ربط ۱

Wait until the rain stops.

صبر کن تا باران متوقف شود.

Wait until I'm finished.

صبر کن تا من کارم تمام شود.

Wait until he comes back.

صبر کن تا او برگردد.

I'll wait until my hair is dry.

من صبر می کنم تا موهایم خشک شوند.

I'll wait until the film is over.

من صبر می کنم تا فیلم تمام شود.

I'll wait until the traffic light is green.

من صبر می کنم تا چراغ راهنما سبز شود.

When do you go on holiday?

تو کی به مسافرت می روی؟

Before the summer holidays?

پیش از تعطیلات تابستانی؟

Yes, before the summer holidays begin.

بله، پیش از آنکه تعطیلات تابستانی شروع شود.

Repair the roof before the winter begins.

پیش از آنکه زمستان شروع شود، سقف را تعمیر کن.

Wash your hands before you sit at the table.

پیش از آنکه سر میز بنشینی، دست هایت را بشوی.

Close the window before you go out.

پیش از آنکه خارج شوی، پنجره را ببند.

When will you come home?

کی به خانه می آیی؟

After class?

بعد از کلاس درس؟

Yes, after the class is over.

بله، بعد از این که کلاس درس تمام شد.

After he had an accident, he could not work anymore.

بعد از این که او (مذکر) تصادف کرد دیگر نتوانست کار کند.

After he had lost his job, he went to America.

بعد از این که او (مرد) کارش را از دست داد به آمریکا رفت.

After he went to America, he became rich.

بعد از این که او (مرد) به آمریکا رفت ثروتمند شد.



95 [ninety-five]

۹۵ [نود و پنج]

Conjunctions 2

حروف ربط ۲

Since when is she no longer working?

او (زن) از چه موقع دیگر کار نمی کند؟

Since her marriage?

از زمان ازدواجش؟

Yes, she is no longer working since she got married.

بله، او از وقتی که ازدواج کرده است، دیگر کار نمی کند.

Since she got married, she's no longer working.

او (مؤنث) از زمانی که ازدواج کرده است دیگر کار نمی کند.

Since they have met each other, they are happy.

از وقتی که آنها با هم آشنا شدند خوشبخت هستند.

Since they have had children, they rarely go out.

از وقتی بچه دار شده اند به ندرت بیرون می آیند.

When does she call?

او (مؤنث) چه موقع تلفن می کند؟

When driving?

در حین رانندگی؟

Yes, when she is driving.

بله، هنگامی که رانندگی می کند.

She calls while she drives.

او (زن) هنگام رانندگی تلفن می زند.

She watches TV while she irons.

او همزمان با اتو کردن تلویزیون تماشا می کند.

She listens to music while she does her work.

او (مؤنث) ضمن انجام تکالیف مدرسه موسیقی گوش میدهد.

I can't see anything when I don't have glasses.

من موقعی که عینک نمی زنم هیچ چیز نمی بینم.

I can't understand anything when the music is so loud.

من موقعی که موسیقی بلند است هیچ چیز نمی فهمم.

I can't smell anything when I have a cold.

من موقعی که سرما خورده ام هیچ بویی را احساس نمی کنم.

we'll take a taxi if it rains.

موقعی که باران می بارد ما تاکسی سوار می شویم.

We'll travel around the world if we win the lottery.

اگر در بخت آزمایی ببریم، به دور دنیا سفر می کنیم.

We'll start eating if he doesn't come soon.

اگر او به زودی نیاید ما غذا را شروع می کنیم.





96 [ninety-six]

۹۶ [نود و شش]

Conjunctions 3

حروف ربط ۳

**I get up as soon as the alarm rings.**

من به محض این که ساعت زنگ بزند، بیدار می شوم.

**I become tired as soon as I have to study.**

من به محض این که شروع به درس خواندن می کنم خسته میشوم.

**I will stop working as soon as I am 60.**

به محض این که به سن ۶۰ سالگی برسم دیگر کار نمی کنم.

**When will you call?**

چه موقع تلفن می کنید؟

**As soon as I have a moment.**

به محض این که چند لحظه فرصت پیدا کنم.

**He'll call, as soon as he has a little time.**

او (مرد) به محض این که فرصت پیدا کند تلفن می کند.

**How long will you work?**

چه مدت شما کار خواهید کرد؟

**I'll work as long as I can.**

تا زمانی که بتوانم، کار خواهم کرد.

**I'll work as long as I am healthy.**

من تا زمانی که سالم باشم کار خواهم کرد.

**He lies in bed instead of working.**

او (مرد) به جای این که کار کند در رختخواب لم داده است.

**She reads the newspaper instead of cooking.**

او (مؤنث) به جای این که غذا بپزد روزنامه می خواند.

**He is at the bar instead of going home.**

او (مذکر) به جای این که به خانه برود در بار می نشیند.

**As far as I know, he lives here.**

تا آنجا که من اطلاع دارم او (مرد) اینجا زندگی می کند.

**As far as I know, his wife is ill.**

تا آنجا که من اطلاع دارم همسرش مریض است.

**As far as I know, he is unemployed.**

تا آنجا که من اطلاع دارم او (مرد) بیکار است.

**I overslept; otherwise I'd have been on time.**

من خواب ماندم، وگرنه به موقع می رسیدم.

**I missed the bus; otherwise I'd have been on time.**

من به اتوبوس نرسیدم وگرنه به موقع می رسیدم.

**I didn't find the way / I got lost; otherwise I'd have been on time.**

من راه را پیدا نکردم وگرنه به موقع می رسیدم.



97 [ninety-seven]

۹۷ [نود و هفت]

Conjunctions 4

حروف ربط ۴

**He fell asleep although the TV was on.**

با وجود این که تلویزیون روشن بود، او (مرد) خوابش برد.

**He stayed a while although it was late.**

با وجود این که دیر وقت بود، او (مرد) ماند.

**He didn't come although we had made an appointment.**

با وجود این که قرار داشتیم، او (مرد) نیامد.

**The TV was on. Nevertheless, he fell asleep.**

تلویزیون روشن بود. با وجود این او (مرد) خوابش برد.

**It was already late. Nevertheless, he stayed a while.**

دیر وقت بود. با وجود این او (مرد) ماند.

**We had made an appointment. Nevertheless, he didn't come.**

ما با هم قرار ملاقات داشتیم. با وجود این او (مرد) نیامد.

**Although he has no license, he drives the car.**

با وجود این که گواهی نامه ی رانندگی ندارد، رانندگی می کند.

**Although the road is slippery, he drives so fast.**

با وجود این که خیابان لغزنده بود، با سرعت رانندگی می کند.

**Although he is drunk, he rides his bicycle.**

با وجود این که مست است، با دوچرخه می رود.

**Despite having no licence / license (am.), he drives the car.**

او (مرد) گواهی نامه (گواهی نامه) ندارد. با وجود این او (مرد) رانندگی می کند.

**Despite the road being slippery, he drives fast.**

خیابان لغزنده است. با وجود این او (مرد) تند می راند.

**Despite being drunk, he rides the bike.**

او (مرد) مست است. با وجود این او (مرد) با دوچرخه می رود.

**Although she went to college, she can't find a job.**

با این که او (زن) تحصیل کرده است، کار پیدا نمی کند.

**Although she is in pain, she doesn't go to the doctor.**

با این که او (زن) درد دارد، به دکتر نمی رود.

**Although she has no money, she buys a car.**

با این که او (زن) پول ندارد، ماشین می خرد.

**She went to college. Nevertheless, she can't find a job.**

او تحصیل کرده است. با وجود این کار پیدا نمی کند.

**She is in pain. Nevertheless, she doesn't go to the doctor.**

او (زن) درد دارد. با وجود این به دکتر مراجعه نمی کند.

**She has no money. Nevertheless, she buys a car.**

او (زن) پول ندارد. با وجود این یک خودرو می خرد.



98 [ninety-eight]

۹۸ [نود و هشت]

Double connectors

حروف ربط مضاعف

The journey was beautiful, but too tiring.

اگرچه مسافرت خوب بود، اما خیلی خسته کننده بود.

The train was on time, but too full.

اگرچه قطار سر وقت آمد، اما خیلی پر بود.

The hotel was comfortable, but too expensive.

اگرچه هتل خوب و راحت بود، اما خیلی گران بود.

He'll take either the bus or the train.

او (مرد) یا با اتوبوس می رود یا با قطار.

He'll come either this evening or tomorrow morning.

او (مرد) یا امشب می آید یا فردا صبح زود.

He's going to stay either with us or in the hotel.

او (مرد) یا پیش ما می ماند یا در هتل.

She speaks Spanish as well as English.

او هم اسپانیایی و هم انگلیسی صحبت می کند.

She has lived in Madrid as well as in London.

او هم در مادرید و هم در لندن زندگی کرده است.

She knows Spain as well as England.

او هم اسپانیا را می شناسد و هم انگلیس را.

He is not only stupid, but also lazy.

او نه تنها احمق است، بلکه تنبل هم هست.

She is not only pretty, but also intelligent.

او (مؤنث) نه تنها زیباست بلکه باهوش هم هست.

She speaks not only German, but also French.

او (مؤنث) نه تنها آلمانی، بلکه فرانسوی هم صحبت می کند.

I can neither play the piano nor the guitar.

من نه می توانم پیانو بنوازم و نه گیتار.

I like neither tea nor coffee.

من نه چای دوست دارم نه قهوه.

I like neither dog nor cat as a pet.

من نه از سگ خوشم می آید و نه از گربه.

The faster you work, the earlier you will be finished.

هر چه سریعتر کار کنی، زودتر کارت تمام می شود.

The earlier you come, the earlier you can go.

هر چه زودتر بیایی، زودتر هم می توانی بروی.

The older one gets, the more complacent one gets.

هر چه سن بالا می رود، احساس راحت طلبی بیشتر می شود.



99 [ninety-nine]

۹۹ [نود و نه]

Genitive

حالت اضافه

my friend's cat

گریه دوستم

my friend's dog

سگ دوستم

my children's toys

اسباب بازی بچه هایم

This is my colleague's overcoat.

این پالتوی همکار من است.

That is my colleague's car.

این خودروی همکار (مؤنث) من است.

That is my colleagues' work.

این کار همکاران من است.

The button from the shirt is gone.

دکمه ی پیراهن افتاده است (گم شده است).

The garage key is gone.

کلید گاراژ گم شده است.

The boss' computer is not working.

کامپیوتر رئیس خراب است.

Who are the girl's parents?

والدین دختر چه کسانی هستند؟

How do I get to her parents' house?

چگونه به خانه ی والدین او برویم؟

The house is at the end of the road.

خانه در انتهای خیابان قرار دارد.

What is the name of the capital city of Switzerland?

پایتخت سوئیس چه نام دارد؟

What is the title of the book?

عنوان کتاب چیست؟

What are the names of the neighbour's / neighbor's (am.) children?

نام بچه های همسایه چیست؟

When are the children's holidays?

تعطیلات مدرسه ی بچه ها چه موقع است؟

What are the doctor's consultation times?

اوقات ویزیت دکتر چه زمانهایی است؟

What time is the museum open?

ساعات کاری موزه چه زمان هایی است؟



100 [one hundred]

۱۰۰ [صد]

Adverbs

قیده‌ها

already – not yet

تاکنون – هرگز

Have you already been to Berlin?

آیا تا به حال در برلین بوده اید؟

No, not yet.

نه، هرگز.

someone – no one

کسی – هیچکس

Do you know someone here?

شما اینجا کسی را می‌شناسید؟

No, I don't know anyone here.

نه، من اینجا کسی را نمی‌شناسم.

a little longer – not much longer

هنوز هم – دیگر نه

Will you stay here a little longer?

شما مدت بیشتری اینجا می‌مانید؟

No, I won't stay here much longer.

نه، من دیگر زیاد اینجا نمی‌مانم.

something else – nothing else

مقداری دیگر – بیشتر از این نه

Would you like to drink something else?

می‌خواهید مقداری دیگر بنوشید؟

No, I don't want anything else.

نه، بیش از این نمی‌خواهم.

something already – nothing yet

تا حالا مقداری – هنوز هیچ

Have you already eaten something?

شما چیزی خورده اید؟

No, I haven't eaten anything yet.

نه، هنوز هیچ چیز نخورده‌ام.

someone else – no one else

کس دیگر – هیچ کس دیگر

Does anyone else want a coffee?

کس دیگری قهوه می‌خواهد؟

No, no one else.

نه، دیگر کسی نمی‌خواهد.